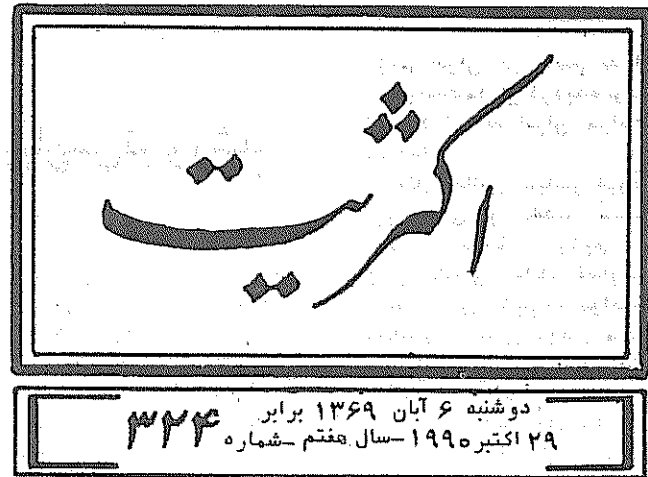


درگیری‌های شدید حکومتی ادامه دارد!

* خامنه‌ای مخالفینش را فریب‌ناپذیر نامید که حرف‌های اسرائیل و آمریکا را میزنند
* یک نماینده مجلس: حزب الله دارد حذف میشود



علیرقم بازگشائی سفارتخانه‌ها

مبادله اسرا همچنان متوقف مانده است

با بازگشایی سفارتخانه‌های ایران و عراق، روابط سیاسی رسمی دو رژیم که ۸ سال علیه یکدیگر جنگیده بودند، وارد مرحله تازه‌ای شد. در مراسم بازگشایی سفارت جمهوری اسلامی در بغداد، که هفته گذشته صورت گرفت ابوالقاسم شمعشی کاردار سفارت گفت: بازگشایی سفارت پیام آور گام برداشتن ایران و عراق در مسیر گسترش همکاری‌های ثروبخش دو کشور اسلامی و هماهنگ ساختن مواضع به منظور رویارویی با استکبار جهانی است که مقدمات اسلامی و امنیت منطقه را به خطر انداخته است.

سفارتخانه‌ها رفت و آمد مقامات دو کشور و درخواست‌های آنان از یکدیگر نیز افزایش یافته است. اما هنوز مبادله اسرای دو کشور علیرقم توافق‌هایی که چند بار اعلام شده، از سر گرفته نشده است. محمد علی نظریان نماینده جمهوری اسلامی در مبادله اسرا، هفته گذشته اعلام داشت که هنوز هزاران اسیر ایرانی در عراق به سر می‌برند که دولت بغداد اسامی همه آنها را به حکومت اسلامی اطلاع نداده است. وی وعده داد که بزودی ۲۳۰ تن دیگر از اسرای ایرانی به میهن خود باز خواهند گشت. اما تاریخی برای بازگشت آنان ذکر نکرد. هفته گذشته هم چنین دولت اسلامی از عراق

خواست که مهندس جواد تندگویان وزیر نفت پیشین ایران را برای ابراز حسن نیت آزاد سازد، محمد علی نظریان گفت استاد موثقی در دست است که تندگویان برخلاف گزارشاتی که در مورد مرگ او منتشر شده زنده است و در یک زندان سری در عراق به سر می‌برد. بدنبال این درخواست دولت عراق به طور رسمی اعلام کرد که تندگویان در هنگام اسارت در گذشته و همه اسناد مرگ او از جمله گواهی‌نامه مرگ وی به رژیم اسلامی تسلیم شده است. تندگویان دوماه پس از شروع جنگ همراه با همدان از مسئولین

بقیه در صفحه ۲

نطق‌های پیش از دستور باخشونت بی‌سابقه‌ای به مخالفین خود حمله می‌کنند، جریان تندرو موسوم به خط امام، ائتلاف رفسنجانی، خامنه‌ای را به تقلب در انتخابات مجلس خبرگان متهم می‌سازد. مرتضی الویری نماینده هوادار جناح تندرو در جلسه ۳شنبه گذشته مجلس، انتخابات مجلس خبرگان را شکست تلخی برای جمهوری اسلامی نامید و گفت نگرانی این است که بر سر انتخابات دوره آینده مجلس شورا نیز همان بیابید که بر سر انتخابات مجلس خبرگان آمد. یک نماینده دیگر بنام موسوی به فساد دولتی شدیداً حمله کرد و برنامه بازسازی دولت رفسنجانی را شعارهای پوچ خواند. در جلسه قبل‌تر مجلس، یکی از نمایندگان تهران خامنه‌ای را تهدید به استیضاح کرد و گفت: در قانون اساسی استیضاح وزیران، رئیس‌جمهور و حتی در مواردی تغییر رهبری پیش‌بینی شده است. وی از سانسور شدید و حذف نیروهای حزب الله به شدت انتقاد کرد و

بقیه در صفحه ۲

خامنه‌ای پس از این حملات شدید به مخالفینش در مجلس شورا، در وحشت از گسترش کنترل نشده تهاجم به این نهاد مقدس، هشدار داد: البته مردم باید اقدام مجلس شورای اسلامی را حفظ کنند! این تذکر من تذکری است که من وظیفه دارم بگویم، این موجب نشد که حالا نسبت به مجلس شورای اسلامی خدای نکرده از طرف کسی بی‌احترامی رخ بدهد. خامنه‌ای در این سخنرانی تاکید کرد که در هنگام خودش به طور مفصل‌تر به مخالفین جواب خواهد داد.

سخنان خامنه‌ای نشانه شدت درگیری‌هایی است که از چندی پیش از انتخابات مجلس خبرگان به روی پرده آمد و تاکنون ادامه دارد. طرفین با نامه‌پراکنی، افشاکاری در مساجد و محافل حکومتی، اخراج و تصفیه مخالفین خود، جنگ مطبوعات و حتی در مواردی برخوردی مسلحانه به افشاکاری و تهدید علیه یکدیگر مشغولند. مرکز اصلی درگیری جناح‌ها مجلس شورای اسلامی است. نمایندگان در

اسلامی سخن می‌گفت، بخشی از سخنانش را به درگیری‌های درون حکومت اختصاص داد و گفت: بعضی حرف‌ها در چند وقت گذشته شنیده شد از بعضی نمایندگان مجلس که حرف خودی‌ها نبوده، حرف‌ها را ما این چندساله جز از رادیو اسرائیل و رادیوی آمریکا و رادیوی منافق و اینها نشنیده بودیم. در مجلس کسی از این حرف‌ها نزده بود. نرن بگن ما تو مجلس آزاد نیستیم، چرا توی مجلس نماینده آزاده، وی آنگاه مخالفین را به سرکوب تهدید کرد و افزود: اما آزادی در چی؟ آزادی در اینکه علیه ملت، برعکس خواسته ملت اونجا و ایستن مثل سخنگوی رادیو اسرائیل حرف بزنن؟ نه، این آزادی نیست، این آزادی برای هیچ‌کس نیست در جامعه اسلامی. خامنه‌ای مخالفینش را "چهارنفر آدم جاهل" خواند و افزود: نکنه چهار نفر آدم جاهل، بی‌توجه، عصبانی، بی‌توجه به مسئولیت، یک حرکتی بکنند و یک مجموعه پاک و مطهری را زیر سوال ببرند.

امان از دست این زن‌ها!

رسوایی‌های پیاپی در مورد روابط سیاستمداران، کشیش‌ها و سایر شخصیت‌های معروف آمریکائی با هت‌پیش‌ها، زن‌ها، مانکن‌ها و... موضوع نوشته‌ای از آرت بوخوالد طنزپرداز معروف است.

من دیگر تاب تحمل این زن‌ها را که روابط خود را با سیاستمداران معروف دوران ما با بوق و کرنا هلنی می‌کنند، ندارم. به یاد هست زمانی که یک زن آمریکائی خوشحال می‌شد اگر می‌توانست با رئیس‌جمهور ایالات متحده، با یک نماینده کنگره و با یک شخصیت مشهور واشنگتن رابطه داشته باشد، آن هم به دلیل لذتی که این زن‌ها از مصاحبت این مردان بزرگ می‌بردند.

اما مدتی است که این خانم‌ها شروع کرده‌اند که در ملاء عام از این چیزها صحبت کنند. فکر می‌کنم از جانب همه روسای جمهور آینده، همه نمایندگان و سایر شخصیت‌های سیاسی سخن گفته‌ام. اگر بگویم که ما، در صورتی که این ضعیفه‌ها دست از پرده‌داری‌های خود بردارند، مجبور خواهیم شد در مقابل طنزهای آینده‌شان "نه" بگوئیم.

من کاملاً واقفم که این یک تدبیر سخت‌گیرانه است، و خواهند بود زانی که با خواندن این سطور، از خود بپرسند: "چرا ما باید تاوان چند زن را بدهیم که لاف روابط خود را می‌زنند؟" جواب آن‌ها این است: اگر قرار باشد ما صاحبان مقامات حساس با هر شب خوشی که برای خودمان ترتیب می‌دهیم این خطر را به جان بخوریم که از مادر ستون‌های این نشریه و آن نشریه نام ببرند و آینده‌مان را خراب کنند، در این صورت ما باید در آینده چه بخواهیم و چه نخواهیم از هر رابطه بدون ازدواج چشم‌پوشی

بقیه در صفحه ۲

تروریست‌های جمهوری اسلامی همچنان به آدم‌کشی ادامه میدهند

دکتر سیروس الهی در پاریس ترورشده

بای احمدی در دوی ترور شده بود. طی دو سال اخیر آدمکشان رژیم اسلامی چندین تن از مخالفین خود در خارج از کشور از جمله دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دموکرات کردستان، دکتر کاظم رجوی از مخالفین سرشناس رژیم، صدیق کمانگر و قلامرضا کشاورز از مخالفین گروه‌های چپ و بالاخره خانم هفت قاضی همسر یکی از این سازمان بنام سرهنگ عطاالله

بقیه در صفحه ۲

و ضمن هشدار دادن نسبت به ادامه این گونه جنایات اعلام داشت روز دوشنبه هفته گذشته حدود ۴۰ تروریست جمهوری اسلامی به آنکارا رفته و از آنجا به گروه‌های کوچکی تقسیم شده‌اند، که یک گروه از آنها به پاریس رفته است. دکتر سیروس الهی، چندین قربانی تروریست‌های حکومت اسلامی در خارج از کشور است. سال گذشته یکی دیگر از مخالفین این سازمان بنام سرهنگ عطاالله

دوشنبه هفته گذشته، جنایت تازه‌ای به وقوع پیوست و دکتر سیروس الهی از رهبران سازمان درفش کاویانی در مقابل خانه‌اش در پاریس ترورشده. در میان نیروهای اپوزیسیون تردیدی وجود ندارد که این جنایت توسط تروریست‌های رژیم اسلامی صورت گرفته است. سازمان درفش کاویانی با صدور بیانیه‌ای این جنایت را به شدت محکوم کرد

شکست بی نظیر بوتو در انتخابات پاکستان

داشت انجامید. برنده این انتخابات، "اتحاد جمهوری اسلامی" به رهبری نواز شریف بود. این ائتلاف توانست اندکی کمتر از نصف تعداد کرسی‌های مجلس پاکستان را به خود اختصاص دهد. پیش‌بینی می‌شود "اتحاد جمهوری اسلامی" بتواند با جلب حمایت تعدادی نماینده منفرد، دولت جدید پاکستان را تشکیل دهد.

مبارزه انتخاباتی "اتحاد جمهوری اسلامی" که از پشتیبانی ارتش و قلام اسحاق خان رییس جمهوری برخوردار بود، حول دو محور عمده پیش رفت: اتهاماتی که متوجه بی نظیر بوتو و خانواده اش شده و از جمله، همسر بوتو را باکیفرخواستی تحت عنوان فساد روبرو کرده است، و نیز تبلیغات تحریک آمیز علیه هند. نواز شریف رقیب بی نظیر بوتو در آخرین گردهمایی انتخاباتی خود، هند را تهدید به ضربه اتمی کرد. وی گفت: "اگر هند خیال حمله به پاکستان را در سر بپروراند، پاکستان نه یک، بلکه صداهای اتمی خواهد ساخت."

انتخابات پیش‌رو پاکستان به آن دلیل برگزار شد که قلام اسحاق خان رییس جمهوری پاکستان در روز ۱۵ مرداد گذشته بی نظیر بوتو را پس از نزدیک به بیست ماه نخست‌وزیری برکنار کرد. در آستانه انتخابات، در پاکستان شایع شد که در صورت پیروزی بوتو، نظامیان دست به کودتا خواهند زد. ارتش پاکستان به بهانه حفظ نظم و آرامش در جریان مبارزه انتخاباتی نیروهای خود را به خیابانها آورده بود و قدرت نمایی می‌کرد.

انتخابات پارلمانی پاکستان هفته گذشته در فضایی تحت تاثیر قدرت نمایی نظامیان برگزار شد و به شکست "اتحاد دموکراتیک مردم پاکستان" که در آن حزب مردم به رهبری بی نظیر بوتو شرکت



قدرت نمایی ارتش پاکستان

در این شماره

نظرات اکتاویوپاز

در صفحه ۵

ره‌په‌سوی دریا

در صفحه ۴

اصول رازیر پانگدایم

در صفحه ۲

مصاحبه اشپیکل با الکساندریا کوولف

در صفحه ۷

ملك فهد:

صدام حسین باید از عقل سلیم پیروی کند

مخالفت کرد، وی گفت اشغال کویت توسط عراق یک مسئله داخلی اعراب است، و هر کس بخواهد این مسئله را با اشغال سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل مربوط کند، به دنبال حل هیچ‌یک از این دو مسئله نیست.

رئیس‌جمهور مصر طی دیدار خود از عربستان تلویحا برای اهزام، تعداد بیشتری نیروی نظامی به این کشور اعلام آمادگی کرد. به گزارش رادیوی قاهره، پادشاه عربستان گفته است که مبارک به او اطلاع داد عربستان سعودی در صورت نیاز به شمار بیشتری از نیروهای مصری نباید در طرح تقاضای آن تعلل کند.

شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان، گزارش‌های منتشره در هفته گذشته حاکی از آمادگی کشورش برای دادن امتیازهای ارضی به عراق را تکذیب کرد. خبرگزاری عربستان یک بیانیه وزیر دفاع این کشور را

بقیه در صفحه ۲

ملك فهد پادشاه عربستان سعودی، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق را فراخواند از کویت عقب‌نشینی کرده و "برای حفظ خود" در بحران خلیج فارس به "منطق و عقل سلیم" بازگردد. فهد طی نطقی در مراسم استقبال از حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر که برای دیدار با نیروهای مصری مستقر در عربستان به این کشور سفر کرده بود، لحن آشتی‌جویانه‌ای در قبال صدام حسین در پیش گرفت.

پادشاه عربستان گفت صدام حسین نباید تصور کند که با بازگشت به "حق، منطق و عقل سلیم" حیثیت خود را از دست خواهد داد. فهد افزود: "اگر صدام به طور جدی درباره مسئله بیاندیشد، پی خواهد برد که به نفع عراق، به نفع خود او و به نفع ملت عرب است که عقب‌نشینی کند."

مبارک بار دیگر با منوط‌کردن حل بحران خلیج فارس به حل مسئله اسرائیل و فلسطین

بقیه در صفحه ۲

درگیری‌های شدید حکومتی ادامه دارد!

بقیه از صفحه اول

مهدار داد که یک جناح دار حذف می‌شود. نماینده دیگری بنام عظیمی به نمایندگان حزب اللهی که از کسادی انتخابات صحبت کرده بودند شدیداً حمله کرد و فریاد زد: چرا به ناطقین قبل از دستور حمله می‌کنید؟ چرا ناطق‌ها را پاره می‌کنید؟

این اظهارات تنها گوشه‌هایی از حدت درگیری‌ها را نشان می‌دهد. گفته می‌شود که حتی جناح تندرو به طور آشکار خواهان خلع خامنه‌ای از مقام رهبری شده است. جمعی امام جمعه آبادان که در انتخابات مجلس خبرگان صلاحیتش مورد تایید قرار نگرفته، به نمازگذاران گفته است که در شعارهایشان نقطه به گذشتن "خمینی رهبر" اکتفا کنند و به طور ضمنی رهبری خامنه‌ای را نفی کرده است. مشخصه‌ای که بحران فعلی هیات حاکمه را از بحران‌های داخلی پیشین متمایز می‌کند، کشیده شدن مستقیم پای ولی فقیه به حیطه این درگیری‌هاست. هیچ‌کدام از جریان‌های موجود در حاکمیت تا پیش از این، چنین آشکار و بی‌پرده ولی فقیه را لبه تیز حملات خود نساخته بودند. بدین ترتیب در دوره تازه درگیری‌ها آخرین "سنگر مقدس" و انتقادپذیر رژیم

حاکم بر ایران نیز به زیر سوال رفته است. انتقادات هرچند متوجه شخص ولی فقیه و نه مقام ولایت فقیه است، اما خواه ناخواه دامنه خود این مقام را نیز در برمی‌گیرد و قداست آن را در نزد نیروهای معتقد به رژیم فرو می‌ریزد و ضربه‌ای کاری بر مشروعیت این رژیم در نزد معتقدان آن فرود می‌آورد. این بار ستون فقرات رژیم قرار حملات جناحی از خود رژیم قرار گرفته است. رئیس جمهور اسلامی تا به امروز از ورود مستقیم به صحنه درگیری خودداری کرده و وظیفه اصلی مقابله آشکار با افراطیون بر دوش خامنه‌ای افتاده است. این وضعیت به تحکیم موقعیت رفسنجانی کمک می‌کند زیرا هم تضعیف خط امام و هم بی‌آبرویی "رهبر انقلاب" یعنی رقیب رسمی او را در پی دارد. رفسنجانی با هوشیاری این را آموخته است که هیچ‌گاه در جبهه مقدم نبرد پیکار نکند.

ویژگی دوم این بحران دوام دار بودن آن است. هیچ‌کدام از درگیری‌های پیشین حکومتی، چنین طولانی به روی صحنه نیامده بود. تا پیش از این حضور پر قدرت خمینی در رأس حکومت، بحران را پس از آشکار شدن به سرمت به پشت صحنه می‌راند، اما این بار چنین نیرو و

اتوریت‌های وجود ندارد و خامنه‌ای که ظاهراً باید چنین نقشی را ایفا کند خود آماج حملات است. جریان حزب الله علیرقم حاضر به تکمین و عقب نشینی نشده است. ائتلاف خامنه‌ای - رفسنجانی مجبور است برای مهار این بحران کانون اصلی آن یعنی مجلس شورای اسلامی را مهار کند. سخنرانی ۲ آبان خامنه‌ای را باید در این راستا تلقی کرد. اگر مخالفین با تهدیدهای رهبر ساکت نشوند - که نشده‌اند - کار به استفاده از نیروهای مسلح و دستگیری و سرکوب بخش‌های دیگری از حکومت خواهد رسید. هم‌اکنون تدارک سرکوب گروهی از نمایندگان مجلس از طریق ارسال نامه از سوی نهادهای حکومتی و تقاضای "برخورد قانونی" با نمایندگان خالی در جریان است. اگر دستگیری و سرکوب تعدادی از افراطیون نیز قادر به مهار آنان نشود، برای "رهبر انقلاب" راه دیگری نمی‌ماند جز آنکه فرمان بر انحلال مجلس بدهد. حوادث ۲ هفته اخیر نشان داده است که حزب الله خط امام بدون مقاومت تسلیم نخواهد شد و بعید نیست که این درگیری‌ها به ناچار تا حذف کامل آنان ادامه یابد. روزهای آتی شاهد حدت‌یابی بحران سیاسی درون رژیم خواهیم بود.

دکتر سیروس الهی در پاریس ترو نشد

بقیه از صفحه اول

رهبران کردهای مخالف رژیم را ترور کرده‌اند. ترور دکتر سیروس الهی تنها یک هفته پس از بازگشت گالیندوپل بازرس. مخصوص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از ایران صورت گرفته است.

متأسفانه برخورد مصلحت جویانه دولت‌های اروپایی که این ترورها در خاک آنها صورت گرفته است - با رژیم اسلامی، موجب جری‌تر شدن این رژیم در کشتار مخالفین سیاسی خود در خارج از کشور شده است. پس از ترور دکتر قاسم‌لو پلیس اتریش استرداد دو تن از کارمندان جمهوری اسلامی را که متهم به شرکت در این جنایت بودند از رژیم اسلامی طلب کرد، اما بر اثر

نشارهای وزارت امور خارجه اتریش مجبور به انصراف از تقاضای خود گردید. در مورد سایر قربانیان این رژیم نیز تاکنون حکومت اسلامی از سوی دولت‌های اروپایی مورد مواخذه قرار نگرفته است.

روز سه‌شنبه دفتر سازمان مجاهدین خلق اعلام داشت که روزنامه شاتلن قاضی دادگاه لوزان، که مسئول پیگیری ترور دکتر کاظم رجوی است، این پرونده را تکمیل کرده و از طریق دادگاه عالی سوئیس پرسشنامه‌ای پیرامون این جنایت برای دولت رفسنجانی ارسال کرده است. پلیس سوئیس قبلاً خواستار استرداد ۲ تن از افراد سفارت جمهوری اسلامی در ژنو که متهم به شرکت در ترور کاظم رجوی بودند از دولت تهران شده بود، اما

رژیم ایران در پاسخ به این درخواست مدعی گردیده بود که این ۲ تن به ایران مراجعت نکرده‌اند.

قتل مخالفین سیاسی شیوه‌ای تروریستی و بشدت محکوم است. توسل رژیم به چنین جنایاتی نشانگر تساوت اخلاقی این رژیم در مواجهه با مخالفین سیاسی خود و ماهیت جنایتکارانه آن می‌باشد. افشای گسترده این گونه جنایات در میان مردم کشورهای خارجی بویژه در میان آن دسته از دولت‌هایی که در توهه میانه‌روی و اصلاح طلبی دولت اسلامی و وزارت خارجه آن می‌باشند، وظیفه همه نیروهای آزادیخواه است. نباید اجازه داد رژیم در سکوت و تاریکی به این جنایات ادامه دهد.

ترور دکتر سیروس الهی در همین حال بار دیگر ضرورت هوشیاری سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون در مقابله با توطئه‌های تروریستی رژیم جمهوری اسلامی را آشکار ساخت.

ملک فهد:

صدام حسین باید از عقل سلیم پیروی کند

بقیه از صفحه اول

مخبره نمود که در آن آمده است هرستان به طور کامل از قطعنامه‌های صادره از سوی جامعه عرب و جامعه بین‌المللی، که در آن عراق به خروج فوری و بلا قید و شرط از کویت فراخوانده شده است، حمایت می‌کند. بیانیه می‌افزاید گزارش‌هایی که در آن از آمادگی هرستان سعودی برای اعطای امتیازات احتمالی به عراق سخن رفته بود، ناشی از "برداشت‌های نادرست" بوده است.

ریچارد چینی وزیر دفاع ایالات متحده روز دوشنبه ۲۲ اکتبر در پاریس تایید کرد که نیروهای عراقی در جریان اشغال

کویت به چند موشک هاوک دست یافته‌اند. چینی افزود شمار دقیق این موشک‌ها معلوم نیست. وی همچنین از این که عراقی‌ها قادر به استفاده از این موشک‌ها هستند یا نه، اظهار بی‌اطلاعی کرد. وزیر دفاع آمریکا پس از ملاقات با فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه اخبار دایر بر وجود یک "برنامه زمان بندی شده یا موهبه‌های از پیش تعیین شده" برای اقدام نظامی علیه عراق را تکذیب کرد و افزود دولت متبوعش مصمم به ادامه تحریم‌ها و محاصره عراق است. به گفته وزیر دفاع دولت بوش، آمریکا تاکنون ۲۱۰ هزار نفر از نیروی زمینی، نیروی

هوایی و نیروی دریایی خود را در منطقه خلیج فارس مستقر کرده است.

ژان پیر شووهمان وزیر دفاع فرانسه در تلویزیون این کشور گفت خطر جنگ در خلیج فارس "بدون شک" کم‌کم بیش از امکان راه حل مسالمت‌آمیز است. وی افزود با این حال نباید از هیچ کوششی برای کمک به "قلبه ایر" امکان "فروگذار کرد. وزیر دفاع فرانسه خاطر نشان کرد "تجربه نشان داده است جنگ‌های بزرگ زمینی در جهان سوم به شکست انجامیده‌اند آمریکا در ویتنام، شوروی در افغانستان و حتی فرانسه در الجزایر."

مبادله اسرا همچنان متوقف مانده است

بقیه از صفحه اول

این وزارتخانه توسط سربازان عراقی دستگیر شده بود. هفته گذشته خبرگزاری آسوشیتد پرس طی گزارشی خبر داد که عراق در برابر امتیازات متعددی که به رژیم تهران داده است از مقامات ایرانی خواسته است که به این کشور امکان دهند از طریق پایانه نفتی خارک بخشی از نفت خود را صادر کنند. این تقاضا در جریان سفر طارق عزیز به تهران عنوان شده است. یکی از این امتیازات اعمال محدودیت علیه مجاهدین خلق است. مطابق گزارشات خبرگزاری‌ها مجاهدین خلق

همچنان یکی از موضوعات مورد مذاکره میان دو رژیم هستند. آسوشیتد پرس به نقل از یک مقام اطلاعاتی آمریکا که نام او را ناش ساخت در گزارشی در روز ۲۱ اکتبر اعلام کرد که رژیم بغداد رهبران این سازمان را به درخواست جمهوری اسلامی از این کشور اخراج کرده است. این مقام اطلاعاتی گفت که بسیاری از رهبران مجاهدین راهی کشورهای اروپایی و از جمله فرانسه شده‌اند. سازمان مجاهدین خلق این گزارش را به شدت تکذیب کرد. سخنگوی این سازمان در واشنگتن گفت که اخراج رهبران این سازمان از عراق دروغ است و اعضای مجاهدین مرتباً به عراق رفت و آمد

می‌کنند. بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند که عراق آماده است در قبال اقداماتی از جانب دولت اسلامی که منجر به گشایش‌هایی در محاصره اقتصادی این کشور شود. امتیازات بیشتری از جمله در مورد مجاهدین به رژیم تهران بدهد. اما حکومت اسلامی تاکنون چندین بار به دلیل هراس از تقویت موقعیت استراتژیک عراق در منطقه و همچنین تحت فشار جامعه بین‌المللی تعهد خود به قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد اجرای تحریم علیه عراق را اعلام داشته و گفته است که روند صلح و از سرگیری مناسبات سیاسی میان دو رژیم تأثیری در این امر بر جای نخواهد گذارد.

اصول رازیر پانگداریم

فریدون تنکابنی

بقیه از صفحه اول

کنیم، هر قدر هم که وسوسه در لحظه موعود بزرگ باشد. خوبی دوران گذشته این بود که می‌توانستی به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده یا عضو کنگره یا خبرنگار مشهور در واشنگتن، وظایف خود را با آگاهی کامل از اینکه قضیه محرمانه خواهد ماند، انجام دهی. همه ما آدم‌های بسیار فعالی هستیم و سرمان شلوغ است. تنها انگیزه ما برای برقراری چنین روابطی، وارد کردن سعادت و خوشحالی به زندگی یک دختر بیچاره بود که بزرگترین رویای او این بود که تا آن حد به مرکز قدرت نزدیک شود.

ما این کار را صرفاً از سر نوهدوستی می‌کردیم، و انتظار متقابل مان بابت تلف کردن آن بعد از ظهر و شب‌های پرزحمت چیزی نبود جز حداقل احترام، و این اطمینان که کسی از ساعات مشترک ما مطلع نخواهد شد. اما اینک این قسم‌ها را هر روز می‌شکنند. هر وقت یک نشریه را

امان از دست این زن‌ها!

باز می‌کنی، داستانی از یک نفر می‌خوانی که مدعی است رابطه‌ای با یک شخصیت مهم داشته است. متأسفم که می‌بینم ورق‌پاره‌های مبتذل و ناشران کتاب‌های جیبی، این زن‌ها را تحریک می‌کنند و بابت روایت داستان‌های مربوط به روابط خصوصی با افراد دارای مقام‌های مهم، به آن‌ها اجرت کلان می‌دهند.

زمانی بود که می‌توانستی زنی را در تاکسی بنشانی و به خانه‌اش بفرستی و مطمئن باشی که این زن به همین که شبی را با فرد محبوبش گذرانده است، راضی است. این زن به خانه‌اش که می‌رسد، با خوشحالی به خواب می‌رفت و خواب می‌دید که به خوشبخت کردن همه مردم آمریکا کمک کرده است.

اما در این دوره و زمانه، این زن‌ها مثل تیر به خانه می‌روند و به نظر می‌رسد نیمی از شب را بیدار می‌مانند تا در دفتر خاطرات خود چیزهایی بنویسند که اصلاً به افکار عمومی مربوط نیست.

پس از حمله صدام حسین به کویت و لشکرکشی آمریکا به منطقه، در واقع به خاطر نفت اما ظاهراً به بهانه حفظ استقلال و آزادی کویت و رفع تجاوز، روشنفکران ایرانی باردیگر دچار سردرگمی و ابهام شدند و حتی برخی از آنان باز به منطق کهنه انتخاب میان بد و بدتر توسل جستند و به این بهانه که امپریالیسم هار و تجاوزگر آمریکا بدتر و خطرناک‌تر از دیکتاتوری صدام است، و گذشته از آن این مرزها مثلاً مرز میان عراق و کویت - ساختگی و زاینده خط کشی‌های استعمارگران برای قارت منابع منطقه است، تلویحاً از صدام حمایت کردند.

یک بار برای همیشه باید ذهن خود را از منطق دو وجهی رها کنیم و به جای آن پای بندی به اصولی را که پذیرفته‌ایم و به درستی آن‌ها ایمان داریم، پیشه کنیم.

تجربه نشان داده هر بار که اصول را در پای مصلحت‌اندیشی - که یکی از انواع آن "انتخاب میان بد و بدتر" است - قربانی کرده‌ایم، به خطا رفته‌ایم و دچار اشتباه‌های مهلک شده‌ایم.

یک بار پس از انقلاب بهمن ۵۷ میان جمهوری اسلامی و رژیم شاهنشاهی دست به انتخاب میان بد و بدتر زدیم. و پس از آن که رژیم جمهوری اسلامی مستقر شد و ددمنشی خود را اعلان کرد، باز برای آن جناح‌های چپ و راست، روشن بین و تاریک‌اندیش، انقلابی و قشری تراشیدیم و "بد" را بهتر از "بدتر" دانستیم. حزب توده میان "خط امامی‌ها" و "حجتیه‌ها" دست به انتخاب زد و دیدیم که از همان خط امامی‌ها چه بر سرش آمد. تجربه نشان می‌دهد که منطق "دشمن دشمن من، دوست من

است" نادرست و بی‌پایه است. وظیفه روشنفکر آگاه سیاسی این است که جدا بیدار و هوشیار جامعه خود باشد و هم بد را ننگ کند هم بدتر را.

شما اگر دو شیشه شیر داشته باشید که اولی دو سه روز از تاریخ مصرفش گذشته باشد و شما را دچ مسمومیت خفیف غذایی کند و دیگری یک هفته تاریخ مصرفش گذشته باشد و شما را فوراً و شدید مسموم کند، کدام یک را خواهید نوشید؟ آیا انتخاب میان بد و بدتر دست می‌زنید و شیری می‌نوشید که شمارا دچار مسمومیت خفیف کند؟

عقل سلیم هر دو را نفی می‌کند و می‌گوید هیچ‌کدام از این دو را به عنوان "ماده غذایی" نباید به رسمیت شناخت، زیرا هیچ‌کدام ویژگی‌های مؤ غذایی را ندارند.

اگر صدام و آمریکا با یکدیگر مخالفند، منطق د وجهی به ما می‌گوید که باید جانب یکی از آن‌ها بگیریم. چرا که اگر یکی از آن‌ها بر حق نیست، بد دیگری بر حق است.

اگر روزگاری کویت بخشی از عراق بوده است استعمارگران به خاطر منافع خود آن را جدا کرده‌اند دلیل نمی‌شود که امروز صدام به کویت تجاوز کند اگر حکومت کویت مردمی نیست، باز هم دلیل نمی‌شود که دیکتاتوری چون صدام قیم مردم کویت شود و بخواهد آن‌ها را هلی‌هلی رخم میل خود "آزاد" کند.

اگر هر کس به این بهانه بخواهد به همسایه خو تجاوز کند، جغرافیای جهان بر هم خواهد خورد

است. منطقه خلیج فارس مستقر کرده است.

ژان پیر شووهمان وزیر دفاع فرانسه در تلویزیون این کشور گفت خطر جنگ در خلیج فارس "بدون شک" کم‌کم بیش از امکان راه حل مسالمت‌آمیز است. وی افزود با این حال نباید از هیچ کوششی برای کمک به "قلبه ایر" امکان "فروگذار کرد. وزیر دفاع فرانسه خاطر نشان کرد "تجربه نشان داده است جنگ‌های بزرگ زمینی در جهان سوم به شکست انجامیده‌اند آمریکا در ویتنام، شوروی در افغانستان و حتی فرانسه در الجزایر."

از رویدادهای ایران

۵۰ میلیون جمعیت، ۴ هزار محقق!

وزیر فرهنگ و آموزش عالی در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد مطابق پیش بینی های بعمل آمده، تا پایان برنامه ۵ ساله از هر یک میلیون ایرانی ۲۵۰ نفر به کارهای تحقیقاتی اشتغال خواهند داشت. در حال حاضر از هر یک میلیون ایرانی فقط ۸۲ نفر به انجام امور تحقیقاتی مشغول هستند به عبارت دیگر کل محققین ایرانی کمی بیش از ۴۰۰۰ نفر هستند! وزیر فرهنگ و آموزش عالی در این گفتگو هم چنین

خامنه‌ای: در دانشگاه‌ها باید از اسلام پاسداری شود

روز سه شنبه اول آبانماه خامنه‌ای در دیدار با وزیر بهداشت - درمان و آموزش پزشکی و روسای دانشگاههای علوم پزشکی بار دیگر پاسداری از اسلام در محیطهای دانشگاهی را مورد تاکید قرار داد و خواستار فراهم ساختن امکانات بیشتر برای نیروهای حزب الهی در دانشگاهها شد. وی از استادان و مسئولین دانشگاهها خاطر نشان ساخت که باید در حد

برگزاری هفته تربیت

رادیوی دولتی ایران اعلام کرد سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش همزمان با هفته تربیت، روزهای ۱۲ و ۱۳ آبانماه در حسینیه ارشد تشکیل خواهد شد. معاون تربیتی وزارت آموزش و پرورش هدف این سمپوزیوم را ایجاد تحرک در جامعه دانشگاهی برای بررسی مسایل و مشکلات تربیتی دانش آموزان و ارائه موضوعها و مسایلی تحقیقی در زمینه مسایل تربیتی آنان ذکر نمود. قرار است بهمین منظور هفته ای به نام هفته تربیت همزمان با روز دانش آموز از ۱۳ تا ۱۹ آبان ماه

کنگره بزرگداشت فردوسی

در حالیکه سال ۱۹۹۰ که بناسبت ۱۰۰۰مین سال سرایش شاهنامه فردوسی، سال بزرگداشت ابوالقاسم فردوسی حماسه سرای بزرگ ایرانی نام گرفته است، رو به پایان میرود. رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشت که کنگره گرامی داشت فردوسی روزهای ۴ و ۵ دی ماه در کنار آرامگاه او در شهر طوس برگزار خواهد شد. مطابق گزارش رادیو دولتی

آشغته خواهد شد. مگر روزگاری بحرین جزو ایران نبود و "استان چهاردهم" شمرده نمی شد؟ واقعیت های جهان محمدرضا شاه را وادار کرد که از ادعای خود چشم ببوشد و استقلال بحرین را به رسمیت بشناسد. (و طنز تلخ تاریخ در این بود که محمد رضا شاه که محالغان خود را "وطن فروش" می نامید، خود ناچار شد به بهای سه جزیره ساحلی و مقام ژاندارمی منطقه و دوستی با اعراب، پاره ای از وطن را بفروشد!) امروز حتی هلموت کول صدراعظم دست راستی آلمان ناچار است مرزهای شرقی آلمان - مرز میان آلمان و لهستان را - که تنها ۴۵ سال از به وجود آمدن آن می گذرد، به رسمیت بشناسد و غیر قابل تغییر بداند.

در ست است که استعمارگران فربنی نفت عراق و کویت (و به طور کلی نفت همه منطقه) را به فارت می برند، اما قرار گرفتن منابع نفت و ثروت ناشی از فروش آن در دست دیکتاتوری چون صدام، به معنای احقاق حقوق حقه مردم این دو کشور یا مردم منطقه نیست.

برخی از کسانی که این بخش از موضوع را می پذیرند، باز به منطق دو وجهی پناه می برند و ناچار از آن سوی بام فرومی افتند و می گویند حال که صدام بر حق نیست، پس حق با امریکاست که میخواهد زور را با زور پاسخ دهد و با نیروی نظامی جلو تجاوز را بگیرد.

حال آن که اقدام نظامی امریکاء تجاوز آشکار به منطقه است. و بهانه قطع نامه ها و اقدامات سازمان ملل متحد نمی تواند آن را توجیه کند. امریکاء ابتدا به پشتوانه قدرت فائده خود تجاوز می کند و سپس از سازمان ملل متحد جواز می گیرد. امریکاء در جنگ کره هم همین کار را کرد.

دوستی که در این باره با او گفت و گو می کردم، پرسید: پس چه باید کرد؟ باید دست روی دست گذاشت و ناظر تجاوز صدام بود؟ بالاخره یک کسی، یک قدرتی باید در برابر او بایستد و او را سر جای خود بنشانند.

از رویدادهای ایران

۲۲ میلیون نفر با کمبود مواد غذایی روبرو هستند

روزنامه کیهان ۱۵ مهر طی گزارشی خبر داد که ۲۲ میلیون نفر از مردم ایران با کمبود مواد غذایی مواجه هستند. مطابق این گزارش متوسط هزینه مواد غذایی هر نفر در روز برابر با ۱۸۰ ریال تعیین شده است که برای یک خانواده ۵ نفره برابر با ۳۲ هزار و ۴۰۰ تومان در سال می شود. طبق آمارهای منتشره متوسط هزینه های خوراکی و دخانی خانواده ها در سطوح مختلف درآمدها به شرح زیر است. خانواده هایی که سالانه ۱۲ تا ۲۴ هزار تومان درآمدها دارند ۹ هزار و ۹۱۴ تومان خانواده هایی که سالانه ۲۴ تا ۳۶ هزار تومان

درآمدها دارند ۱۷ هزار و ۶۰۹ تومان خانواده هایی که سالانه ۳۶ تا ۴۸ هزار تومان درآمدها دارند ۲۴ هزار و ۷۵۵ تومان خانواده هایی که سالانه ۴۸ تا ۶۰ هزار تومان درآمدها دارند حدود ۳۱ هزار تومان جمع افرادی که در سطوح در آمدی فوق می گنجد و به درجات مختلف قادر به تامین حداقل نیازهای خوراکی خود نیستند بیش از ۲۲ میلیون نفر است. لازم به تذکر است که این آمار متعلق به سال ۶۵ است و طی ۴ ساله اخیر وضعیت مردم از نظر تامین مواد غذایی بیش از پیش رو به وخامت گذاشته است.

توسعه روابط جمهوری اسلامی با اتحاد شوروی

رنت و آمد میان مرز نشینان ایران و شوروی طی ضوابطی آزاد شد. استاندار آذربایجان شرقی طی مصاحبه ای در این مورد اعلام داشت که از اول آبانماه سال جاری ۱۲۰۰ نفر از مرز نشینان ساکن در محدوده ۴۵ کیلومتری مرز، طی ۲ روز در هفته و بمدت ۱۵ روز می توانند بدون انجام تشریفات گذرنامه ای به کشور هم جوار مسافرت کنند. رفت و آمد از ۲ نقطه مرزی واقع در مغان و جلغا صورت می گیرد. مسافرت های مرزی در اجرای تفاهم نامه بین مقامات ایران و شوروی آغاز شده است.

استاندار آذربایجان شرقی هم چنین اعلام داشت که اولین نمایشگاه صنعتی - بازرگانی و فرهنگی جمهوری اسلامی در باکو از تاریخ بیستم تاسی ام

خبرهای کوتاه ورزشی

فوتبال منطقه ای ایران

۳۷مین دوره مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی جهان هفته گذشته در ایتالیا به پایان رسید. در این مسابقات که ۲۰۰ کشتی گیر از بیش از ۴۱ کشور جهان شرکت داشتند، تیم ملی کشتی فرنگی شوروی با برتری مطلق به مقام قهرمانی رسید. کشتی گیران شوروی با کسب ۶ مدال طلا، ۳ نقره و یک برنز ۹۵ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن را بدست آوردند. کشتی گیران مجارستان با ۴۹ امتیاز، آلمان با ۴۴ امتیاز مقام های دوم و سوم مسابقات را کسب کردند.

تیم ایران با ۳ کشتی گیر در این مسابقات شرکت کرد. در وزن ۶۲ کیلوگرم حسن یوسفی ائشار به مقام هشتم رسید و ۲ امتیاز برای ایران کسب کرد. دو کشتی گیر دیگر ایران در دور مقدماتی حذف شدند.

سه شنبه سیاه فوتبال

روز سه شنبه ۱۷ مهر ماه ۳ تن از فوتبالیست های جوان تیم فوتبال ژاندارمیری تهران در یک حادثه دلخراش رانندگی جان خود را از دست دادند. احمد احمدی، جاوید هزیزی و مهرداد هباسبیان همراه بادو تن دیگر از فوتبالیست های این تیم پس از انجام یک دیدار دوستانه به هنگام بازگشت به خانه در جاده مخصوص کرج دچار حادثه رانندگی شدند و جان باختند. روز ۵شنبه هزیزی و هباسبیان دو فوتبالیست از دست رفته تیم ژاندارمیری در بهشت زهرا به خاک سپرده شدند و جنازه احمد احمدی نیز به زادگاهش در تبریز انتقال یافت. تیم های جوانان تهران در مسابقات هفته گذشته خود با نوار های سیاهی که بر سینه نصب کرده بودند به میدان آمدند. روز اول آبان ماه نیز به یاد احمد احمدی یک مسابقه فوتبال دوستانه بین تیم ملی جوانان کشور و منتخب آذربایجان شرقی در ورزشگاه تختی تبریز انجام شد. نشریه اکثریت این حادثه جانخراش را به خانواده این ۳ فوتبالیست از دست رفته و ورزشکاران ایران تسلیت می گوید.

تیم ملی شطرنج

برگزیده شد

رقابت های تکمیلی برای انتخاب تیم ملی شطرنج ایران که به مدت یک هفته در محل فدراسیون شطرنج ادامه داشت روز چهارشنبه گذشته به پایان رسید. در این رقابت ها ۶ شطرنج باز که در مسابقات قهرمانی کشور عنوان های چهارم تا نهم را کسب کرده بودند به رقابت با یکدیگر پرداختند و در پایان عباس خاکپور و هادی مومنی از تهران همراه با حسین آریان نژاد از گیلان به عضویت در تیم ملی شطرنج ایران انتخاب شدند.

قبلا در مسابقات نهایی قهرمانی کشور مهندس خسرو هرندی استاد بزرگ شطرنج ایران با ۱۱ امتیاز به مقام قهرمانی رسیده بود و همراه با نفرات دوم و سوم این مسابقات دکتر خسرو کیهانی و مهدی ماهوری به عضویت در تیم ملی برگزیده شده بودند. قرار است ۶ شطرنج باز برتر ایران در نیمه دوم آبان ماه در المپیاد جهانی شطرنج یوگسلاوی شرکت کنند.

درباره سیروس ملکوتی و آثارش

ره پهلوی دریا

چون بعنوان یک هنرمند انسان گرا نمی‌تواند دور از انسانها، دور از هموطنانش که با آنها پیوند زبانی و فرهنگی و لغت همیق عاطفی دارد، قرار گیرد، از این نقطه نظر خواه ناخواه آثارش جنبه سیاسی پیدا میکنند. ملکوتی بعنوان یک هنرمند سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی مخالف بوده و هست - بویژه آنکه این رژیم با حیات هنری او، با موسیقی خصوصی کور و غیر انسانی دارد. وی در سال ۸۸ در اعتراض به عقد قرار داد فرهنگی میان رژیم و دولت آلمان فدرال که با موج اهدام ها همزمان بود، دست به اعتصاب غذا زد. اعتصاب وی با حمایت بسیاری از ایرانیان مقیم خارج و شخصیت‌های علمی - هنری آلمان روبرو شد تا جائیکه هیاتی از اساتید و رؤیس دانشکده موسیقی برلین مخالفت خود را با عقد قرار داد مذکور اعلام کردند. سیروس ملکوتی در حال حاضر بر روی قطعه ای برای ارکستر و گیتار و نیز قطعه‌ای بر اساس تمی از یک سرود زرتشتی (گاتاها) کار میکند. او بعنوان یک معلم و از طریق تدریس گیتار زندگی اش را تامین میکند و گاهی نیز کنسرتهای در شهرها و کشورهای مختلف اجرا میکند. او میگوید:

«هلیرغم مشکلات مالی، حاضر نیستم هنر را وثیقه‌ای برای سرمایه اندوختنی قرار دهم. چرا که تنها به سرمایه هنری و فرهنگی اتکا دارم و افسوس که در شرایط حاضر از این نظر با فقر شدیدی روبرویم! متأسفانه موسیقی جدی نه در ایران و نه در میان ایرانیان مقیم خارج مورد حمایت نیست. همکاری دو نوع موسیقی بزرگ و زاری - تجاری و موسیقی ضجه و زاری اسلامی و گسترش آنها در ایران و خارج هر چه را بر موسیقی جدی بسیار تنگ کرده است. در چنین شرایطی هنرمند جدی نیز که به میراث فرهنگی کشورش و توشه هنری نسلهای بعد می‌اندیشد، بخاطر فقدان امکانات مناسب برای ارائه هنرش و نیز فائق آمدن بر مشکلات مالی مجبور است تن به فعالیت‌هایی دهد که در یک شرایط طبیعی و عادی شاید هرگز به آنها نمی‌پرداخت!»

مهر ۱۳۶۹

در سال ۱۹۸۳ ملکوتی «فانتزی ماهی سیاه کوچولو» را بر اساس داستان معروف صمد بهرنگی برای تئاتر سایه ای ساخت. «فانتزی ماهی سیاه کوچولو» سراسر تصویر است. تصاویری که به زیبایی و راحتی با موسیقی بیان میشوند. ملکوتی در انتهای این قطعه، ادامه تفکر ماهی سیاه کوچولو را که در اندیشه ماهی سرخ کوچولویی که به قصه گوش میداد، شناور است باریتمی که بیانگر حرکت و تداوم است، تصویر میکند و شنونده نیز در انتظاری بی‌انتهاگویی با ماهی کوچولو همراه میشود تا فراداده‌های دریا را ببیند.

«تصه‌های اوین» که در سال ۱۹۸۶ برای صدای زن و گیتار نوشته شده، با شعری به زبان انگلیسی از «آبرتورزا» شاعر پرتغالی در نوامبر ۸۹ در برلین اجرا شد. ملکوتی این قطعه را تحت تاثیر ماجرای واقعی یک مادر که در «اوین» به جوخه اهدام سپرده شد، نوشت و شعر آن در واقع نجوای مادر در وا پسین لحظات زندگی است. بدین ترتیب آثار ملکوتی به یک اعتبار سیاسی نیز هستند. اما او زیبایی شناسی و هنرش را فدای سیاست نمیکند. وی که در اولین انشعاب فدائیان، همکاری خود را با سازمان چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) ادامه داد، بعدها در انشعابی دیگر با جریان «سوسیالیستی» از آن سازمان بیرون آمد و اینک مدتهاست که بعنوان یک هنرمند فعالیت میکند. سیاست برای او مفهومی جز همان مادر، همان کودک، همان ماهی کوچولو ندارد. او به انسان فکر میکند و تا آنجا که به کشورش مربوط میشود انسانها را میبیند که رنج میبرند، تلاش میکنند و راه می‌کشند. او با موسیقی اش شعر میدهد و پلاکارد بلند نمیکند، اما

خلیج فارس فرقی شده، ساخته شده و در مجموعه «نغمه‌های خاموش در غربت» که در واقع مولود تجارب تلخ و شیرین زندگی در تبعید است، تماما انسان و رنج‌های او مورد نظر آهنگسازند. ملکوتی میگوید:

«هلیرغم آنکه موسیقی و سبک آثارم تا حدی دور از عادات مردم نسبت به موسیقی است و شاید برای بسیاری غیر عادی بنظر برسد، اما در هر کشوری که برنامه اجرا کردم، در سوئد، انگلیس، هلند، حاضرین همراه با ناوختن من اشک ریختند و من به این حقیقت بیشتر باور کردم که وقتی اثری بر اساس درک و عاطفه، انسان و مسائلش ساخته میشود، برای مردم قابل درک است و درک آن ضرورتاً در انحصار متخصص‌ها نیست!»

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی! این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپی آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها می‌روند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرک میکشند!

«بلا با توک» سنتزی از دوزبان موسیقی متفاوت در ادبیات گیتار بوجود آورده است.

در واقع آثار ملکوتی را مطلقاً نه از زاویه تحول در موسیقی ایرانی بلکه به‌مثابه تحولی در ادبیات گیتار کلاسیک باید مورد بررسی قرار داد. وی امروز چهره شناخته شده ای در هر صحنه نوازندگی و آهنگسازی گیتار است. آثاری که تاکنون در این زمینه تدوین و اجرا شده اند عمدتاً ملهم از موسیقی اسپانیا و اروپای مرکزی بوده است و همین چهارچوب، محدوده گیتار کلاسیک را تشکیل میداد. ملکوتی در واقع بدیل دیگری عرضه میکند که از کشورس نشان دارد و بر پایه میراث ادبی گیتار در جهان شکل گرفته است. وی معتقد است:

«من موضوع جدیدی را در زمینه گیتار مطرح نکرده‌ام، بلکه گذشتگان نیز همین همین کار را کرده اند. مثلاً «بریتن» berieten انگلیسی و یا «دوفایا» defaia اسپانیایی با ابداع از فرهنگ و ادب کشورهای خود ادبیات گیتار را متحول ساختند. در ایران نیز کسانی چون «احمد پژمان» پیشگامان طرح این سنتز هستند.»

نقطه همزیمت ملکوتی در آثارش، به لحاظ اجتماعی، انسان است. این موضوع در تمامی تم‌هایی که وی برای آهنگهایش انتخاب کرده مشهود است. در قطعه «مرثیه ای برای ساناز» (۱۹۸۶) که به یاد دخترکی که به هنگام فرار از ایران، در آبهای

ملکوتی چهار سال بعد، در سال ۱۹۸۴ تحصیلات خود را با هایلترین درجه به پایان رساند.

وی تاکنون کنسرتهای متعددی در کشورهای مختلف اروپا داشته است. در سال ۸۸ نیز به دعوت دانشگاه والنسیا جهت کنسرت، معرفی آثار و سمینار در زمینه تکنیکهای نوازندگی گیتار برای دانشجویان به اسپانیا سفر کرد.

سیروس ملکوتی طرح‌ها و تکنیک‌های جدید در محدوده فنی نوازندگی گیتار عرضه کرده است از جمله «ترمولو» های جدید در استفاده از انگشتان دست راست که این تکنیک، شرح زندگی و آثار او در تنها دائره المعارف موجود در زمینه گیتار (به زبان اسپانیایی) «روآنوسانچز» ثبت شده است. در دوران مهاجرت، دوری از وطن و مشاهده تحمیل فرهنگ مسخ شده و بی روح بر کشورش، این کنجکاوی را در او برانگیخت که به هویت فرهنگی خود و جامعه اش بپردازد. این جستجو و تلاش، عناصر ملموس آثار بعدی وی هستند. از یک سو انتخاب تم‌هایی که تاثر، نگرانی و نفرت وی را از شرایط فرهنگی حاکم بر ایران نشان میدهد و از سوی دیگر گرایش به «موتیو» های موسیقی ایرانی، ریتم و نغمات ایرانی سبب شد که در کاروی تلفیقی از دو فرهنگ موسیقی غرب و شرق (و مشخصاً موسیقی کلاسیک و تم‌های ایرانی) مطرح شود. در یکی از کنسرتهای ملکوتی، پروفسور «هارتموت فلات» طی سخنرانی در باره ساخته‌های وی گفت:

«سیروس، همچون

این مطلب توسط یکی از شاگردان سیروس ملکوتی تهیه و تنظیم و برای «اکثریت» ارسال شده است.

سیروس ملکوتی «گیتاریست و آهنگساز ایرانی در سال ۱۳۳۵ در بابل متولد شد. او از جمله هنرمندان بی‌شماری است که به دلیل شرایط سیاسی مجبور به مهاجرت شده است. نواختن گیتار از سیزده سالگی شروع کرد. بدون آموزش مستقیم، به محدوده‌ای از ادبیات گیتار کلاسیک دست یافت. پس از چندی، حدود سال ۵۲ برای تدقیق خود آموخته‌هایم نزد آقای «داریوش افراسیابی» طی دوره‌ای کوتاه آموزش دیدم. در تهران، در جاهای مختلف مثل «خانه هنر تهران» و «نوک برنامه مدرسه عالی ساختمان تدریس میکردم. مشاور موسیقی «کاخ مرکزی جوانان» بودم و هفته‌ای یک روز برای تدریس به ساری میرفتم. چند برنامه تکنوازی در تهران داشتم که آثار کلاسیک اروپا را شامل میشد. اولین قطعه برای گیتار را در سال ۵۷ و تحت تاثیر فاجعه ۱۷ شهریور ساختم که در واقع اولین کارم در عرضه آهنگسازی به شمار می‌آید.»

در همان دوران وی نیز مثل بسیاری از هنرمندان به گروه‌های سیاسی جلب شد و به فدائیان خلق پیوست. نتیجه این همکاری در آن سالها، ارائه نواز سرود «خلق ترکمن» بود که بخش‌هایی از اولین اثرش نیز در همان نوار آمده است.

در آبان ۵۸ (نوامبر ۷۹) برای تحصیل در رشته موسیقی رهسپار آلمان شد و دو ماه بعد تحصیل در رشته تکنوازی گیتار را نزد استاد اسپانیایی خانم «ماریا اتجلس سانچز بنیلی» آغاز نمود.



SIRUS MALAKOOTY

- Der kleine schwarze Fisch -

KOMPOSITIONEN FÜR

GITARRE

stasch

DOLBY SYSTEM

ظرات اکتاویوپاز پیرامون ادبیات و جهان سیاست

پاز: «اگر آفرینش ادبی تابع سود و درآمد بیشتر شود،

مرگ ادبیات فرا خواهد رسید.»

ح. بهداد



سزاروالیو، شاعر پرویی، با لحن و زبانی شدیداً آمریکایی می‌بایستی که ابتدا نوزایی ادبیات اروپایی بعد از جنگ جهانی اول را در ذهن خود بگردد و از آن خود سازد.

هردوی این راستاها رانه به عنوان گرایش‌های جدا و متضاد، بلکه بسان خطوطی باید در نظر گرفت که با یکدیگر تلاقی می‌کنند، شاخ و برگ می‌گسترند، درهم می‌تنند و دوباره از هم جدا می‌شوند. از این رهگذر بافت پرآب و رنگی پدید می‌آید که همان ادبیات ماست. ما، نویسندگان آمریکای لاتین، بسان نویسندگان آمریکای شمالی از یک سو در متن سنن و دستاوردهای فرهنگی اروپا تنفس می‌کنیم، فرهنگی که زبان اسپانیایی ما نیز به آن تعلق دارد، و از دیگر سو با واقعیت‌های زندگی در قاره آمریکا سرو کار داریم. برای ما، اهالی آمریکای لاتین، پایدارترین و ماندگارترین فراداده (سنن) ادبی همانا ادبیات اسپانیاست. ما این ادبیات را دستمایه خود می‌سازیم تا بر له یا علیه آن بنویسیم. این ادبیات نقطه همزیست ماست. هنگامی که نفاش می‌کنیم، در واقع به پیش می‌رانیم و با به پیش‌راندنش دگرگونیش را موجب می‌شویم. در واقع رابطه ما با سنن ادبی اسپانیایی‌آمیزهای از عشق و کشاکش است. آری، ریشه‌های ادبیات ما اروپایی‌اند، اما افق و دستمایه ما خاک و تاریخ آمریکاست. در آمیختن این دو جنبه کار هر روزهای است که هر کدام از ما به سبک و شیوه خود آن را انجام می‌دهیم. بر این پایه ادبیات آمریکای لاتین چیزی نیست مگر مجموعه شیوه‌های گوناگون این درآمیزی... در دهه‌های اخیر و بویژه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در هر صده ادبیات جنبش‌ها و گرایش‌های ایدئولوژیکی پدید آمدند که به رغم سبک و شیوه گوناگونی می‌توان با نرمترین واژه‌ها آنها را «ادبیات کارگزار» (ادبیات خادم) نامید. هنرمندان نزدیک به این جنبش‌ها و گرایش‌ها تلاش کردند که با تاریخ همگامی کنند، اما اغلب تاریخ را با سیاست روز اشتباه گرفتند و از این رهگذر به کارگزاران و مبلغان ایدئولوژی و سیاست مشخصی تنزل یافتند. بنیادهای این ادبیات سخت سست و شکننده بودند. آتشخور اصلی این ادبیات اندیشه‌ای بود که بنا بر آن تاریخ روندی روبه فراگشت و تکامل دارد و در زمانه ما این فراگشت در سیمای طبقه مشخصی بروز یافته، که این طبقه نیز از سوی یک حزب رهبری می‌شود خود این حزب نیز در سیمای رهبریش نمود می‌یابد و این رهبری نیز در یک رئیس یا دبیرکل خلاصه می‌شود. پیداست که هنری با این مبانی لرزان نمی‌توانست دیر بپاید و برآستی امروز به جز رد و نشانی محدود از این هنر چه باقی مانده است. تهنک‌مایگی و بدفرجامی این هنر نه به فقر جنبه‌های زیباشناسانه آن، بلکه بیشتر به تدنی و کاستی مبانی اخلاقی و سیاسی نظام مورد حمایت آن بر می‌گردد. شگفتا، اندیشه‌ای که خود را پرچمدار «تکامل تاریخ» می‌دانست، پیریز اردوگاه‌های کار و نظام‌های مستبد و خیره‌سراز کار درآمد.

موقعیت کنونی ادبیات آمریکای لاتین سواى موقعیت ادبیات در بخش‌های دیگر جهان نیست. در این ادبیات دو ویژگی را به آسانی می‌توان باز یافت: اولین ویژگی همانا از بین رفتن «جنبش آوانگاردیسم» است که در نیمه نخست این سده سربر آورد، و دومین ویژگی راهی یافتن این ادبیات از توهّمات و پندارهای ایدئولوژیکی می‌باشد. به گفته دیگر آن ناکجاآبادهایی که از سوی دستگاه سیاسی - ایدئولوژیکی خاصی آوازه‌گری و تبلیغ می‌شد، در سیمای حصارها و زندان‌ها نمود یافت و رویای برپایی جامعه‌ای آزاد و برادراته توسط آن همچون حیاتی ترکید. اینک ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که به لحاظ هنری می‌توان آن را «پست مدرن» (دوران پس از مدرنیسم) و به لحاظ سیاسی دوران «پست ایدئولوژیکی» (دوران پس از ایدئولوژی نامید. باید تاکید کرد که فرسودگی و فانی هنر آوانگارد و بی‌اعتباری ایدئولوژی‌های سیاسی نه به معنای چشم‌پوشیدن از هنر و نه به معنای فرار از برابر تاریخ است. هنر در یکی از کتاب‌های خود یادآور شده‌ام که هنر گذشته‌های نه‌چندان

ویژه خویش را مدیون نویسندگانی همچون هنری جیمز و درونمایه آمریکایی خود را رهین نویسندگانی همچون والت وایتمن است. «ادبیات آمریکای لاتین نیز با پایمردی و تلاش نویسندگانی از نسل سارمی‌یتنو تانسل و الیو سبک و سیمای بومی و نایسته یافت و از حیث درونمایه با کوشش و جهد نویسندگانی همچون داریوتابورخس بیش از پیش با جنبه‌های گوناگون زندگی در آمریکای لاتین در آمیخت. تباین و تعارض میان جنبه‌های بومی و جهانی ادبیات آمریکای لاتین پیوسته محمل بحث و جدل در میان نویسندگان این دیار بوده است. پرزاس پروفاناس (Prosas Prefanas) سروده روبین داریو (۱۹۱۶ - ۱۸۶۷) برجسته‌ترین اثر اولین مرحله رواج مدرنیسم در آمریکای لاتین به‌شمار می‌آید. هنگامی که این کتاب انتشار یافت، خوزه انریکو رودو ضمن توصیف آن به عنوان اثر شاعری بزرگ و برجسته و نوگرا یادآور شد که ساختار واژگانی نامانوس این کتاب روح زندگی انسان آمریکای لاتین را بازتاب نمی‌دهد. وی آشکارا گفت: «داریو شاعر بزرگی است، اما شاعر مانیست». بعداً برای توصیف آثاری که سخت رنگ و بوی آمریکای لاتینی داشتند، صفت «خاکی» به کار گرفته شده از دید نقادان و ارزیابان یک اثر «خاکی» تنها آفریده یک نویسنده - شاعری اصل آمریکایی می‌توانست باشد. و به یاد دارم چهل سال پیش، هنگام آشنایی با گابریلا میسترال، وی به خواندن شعرهای من ابراز علاقه کرد. من اما ابتدا شرم داشتم که شعرهایم را به وی نشان دهم، آخر او برنده جایزه نوبل بود و من شاعری گمنام و تازه‌کار. سرانجام بر این شرم خود چیره‌شده و کتاب کوچکی از شعرهایم را که تازه انتشار یافته بود، برایش فرستادم. چند روز بعد در خانه دوست مشترکی دوباره میسترال را دیدم. وی با دیدن من با واژه‌های مودبانه‌ای پنبه کتابم را زد: «آز شعرهای شما به‌رغم آنکه برایم بیگانه‌اند، خوشم آمد. شما می‌توانستید یک شاعر خوب اروپایی باشید. راستش شعرهای شما برای من به اندازه «خاکی» نیستند...» من با شنیدن صفت «خاکی» سرخ‌شده و خود را محکوم شده ساختم. خاکی نبود در نظر من نوعی نارسایی مادرزادی به‌شمار می‌آمد، گویی انسان در سرزمین آمتکسازان و موسیقیدانان ناشنوا به دنیا آمده باشد. در آن هنگام در ذهن من شاعر خاکی درخت پر باروبری می‌نمود که با تنه‌ای ستبر و جوانه‌هایی انبوه در ژرفای خاک قاره آمریکا ریشه افشاند. از همین رو حتی ریش‌های والت وایتمن (نویسنده سرخپوست بزرگ آمریکادار آغاز سده کنونی هم در نظر من حکم ریشه‌های هوایی درخت بانیتو (درخت مقدس سرخپوستان آمریکا) را داشتند. با این همه برای آنکه از خودم ناامید نشوم، ذهنم پیوسته متوجه شاعری به نام ویسنته هویدوبرو (Vicente Huidobro) می‌شد که هیچگاه نمی‌خواست «ریشه» داشته باشد. او حتی بایسته میدانست که شاعر ریشه خود را از خاک برکند تا توانایی پرواز بیابد، زیرا در نگاه وی شاعری حکم پرواز بر فراز گیتی را داشت که برای آن انسان رانه به ریشه‌ها بلکه به بال‌ها نیاز است. اما شاعری همچون نرودا برعکس هویدوبرو ریشه‌دار بودن را از شرایط ضرور شاعری می‌دانست. از همین روست که وی در سروده‌هایش پاهای خود را باریشه مقایسه می‌کند و تصادفی نیست که بهترین کتاب وی نام «اقامت برخاک» را بر خود دارد.

باری، امروز هنگامی که به حرف‌های گابریلا میسترال و «شاعر خاکی» می‌اندیشم، در دل می‌خندم. به راستی امروز دیگر چه کسی این اصطلاح را به کار می‌برد؟ واقعیت این است که در آثار ادبی معاصر آمریکای لاتین نمی‌توان میان جنبه‌های بومی و جنبه‌های فرا بومی خط و مرز کشید. بزرگترین نویسندگان ما در آن واحد هم بومی بوده‌اند و هم جهانی، با پاهائی برخاک و سری در ابرها. به گفته دیگر بخشی از نویسندگان آمریکای لاتین معدنچیان در اوج آسمان و بخشی دیگر پروازگرانی در ژرفای زمین بوده‌اند. «داریو» فرانسوی شده شعرهایی با رنگ و بوی شدیداً آمریکایی سرود و

از لحاظ جهان بینی پاز به‌آمیزه‌هایی از مسیحیت و آیین بودا باور دارد از لحاظ سیاسی وی که تا ۱۹۳۹ یعنی تا پیمان استالین - هیتلر به کمونیست ها گرایش داشت، اینک در زمره محافظه‌کاران جای دارد. پاز از منتقدین انقلاب‌های آمریکای لاتین به‌شمار می‌رود و انقلاب‌های کوبا و نیکاراگوئه را رویدادهایی کاذب و غیرواقعی می‌داند. وی به سبب مواضع محافظه‌کارانه‌اش پیوسته آماج انتقاد مجامع روشنفکری آمریکای لاتین بوده است.

با اهدای جایزه نوبل به اکتاویوپاز این سومین باری است که طی دهه اخیر نویسنده‌ای از جهان سوم این جایزه را دریافت می‌دارد. داوران پیر کمیته ادبی نوبل که به سبب ستایش پی‌درپی از نویسندگان اروپایی به اروپا گرای می‌تعمم بوده‌اند، اخیراً برای رهایی از این اتهام توجه بیشتری به جهان سوم نشان می‌دهند که نکته‌ای است مثبت. با برگزیده شدن اکتاویوپاز برای دریافت جایزه نوبل اما امید پارهای از محافظ ادبی مبتنی بر اینکه این جایزه امسال به نشانه پاسداری از حرمت قلم و تاکید بر آزادی نویسنده احتمالاً به سلمان رشدی داده خواهد شد، نقش بر آب گردید. با نگاهی به کارنامه کمیته ادبی نوبل پیدابود که از این امازاده چنین معجزاتی کمتر ساخته است و داوران پیر این کمیته معمولاً امر اینگونه خطر کردن‌ها نیستند. باری آنچه که در پی می‌آید ترجمه سخنرانی اکتاویوپاز در برلین می‌باشد. در این سخنرانی که سال ۱۹۸۲ ایراد شده است، دیدگاه‌های پاز درباره ادبیات، جنبه‌های ملی و بین‌المللی آثار ادبی و نیز «ادبیات ایدئولوژیکی» بازتاب یافته‌اند. پاز چند هفته پیش نیز در یک سخنرانی در مکزیک دیدگاه‌های خود در مورد تحولات جهانی و رویدادهای اروپای شرقی و نیز خطر تعمیم قوانین بازار به هر صده هنر را تشریح نمود. بخشی از این سخنرانی نیز در پایان می‌آید.

پیوستگی یادشده مدام پویا و در حال دگرگونی است.

اما ادبیات فراتر از دستگاهی از روابط خود نوعی تاریخ نیز به‌شمار می‌رود، تاریخی که قلمرو ویژگیها، بده و بستان‌ها و پیش‌بینی نشده‌هاست. به‌گفته دیگر ادبیات تاریخی است در بطن تاریخ بزرگتری که تمدن، زبان و یا جامعه نام دارد. اما تعاریف گوناگون درباره تاریخ به‌رغم اتکا به عواملی همچون شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی باز هم توضیح‌دهنده کامل و آفرینش‌های ادبی نیستند. زیرا در هر اثر هنری نوعی ویژگی یافت می‌شود که لزوماً با شرایط مشخص تاریخی قابل توضیح نیست. ادبیات آمریکای لاتین نیز از این قاعده مستثنی نیست. این ادبیات در متن و همراه با تاریخ خلق‌های ما پدید آمده است، اما روند فراگشت آن تنها با تاثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبیین پذیر نیست، زیرا که برای نمونه تاثیر سنن ادبی دیگران بر ادبیات ما بعضاً فزونتر از تاثیر شرایط اجتماعی بوده است به‌رغم تفاوت آشکار میان جامعه آمریکای شمالی و جوامع آمریکای لاتین، یک ویژگی بارز ادبیات آنها را به هم پیوند می‌دهد و آن هم بهره‌گیری از زبان‌های اروپایی است که در قاره آمریکا شاخ و برگ گسترده‌اند. اهالی آمریکای شمالی انگلیسی‌زبانند، برزیلیها زبان پرتغالی دارند و سایر کشورهای آمریکای لاتین به اسپانیولی سخن می‌گویند و این هر سه زبان چنانکه می‌دانیم اصل و نسب اروپایی دارند. همین ویژگی ادبیات آمریکارا بیشتر از شرایط اقتصادی و یا تحولات سیاسی و تکنولوژیکی متاثر ساخته است. سرآمدان ادبیات ایالات متحده، برزیل و ادبیات آمریکای لاتین از ابتدا بر آن بودند که به‌رغم بهره‌گیری از زبان‌های اروپایی وابستگی یکجانبه خود را با ادبیات انگلیس، پرتغالی و اسپانیا بگسلند. آنها در این راه به تلاش دوگانه‌ای دست زدند، از یک سو تلاش کردند که به سبک‌های رایج ادبی در اروپا رنگ و بوی خودی بزنند و از سوی دیگر کوشش خود را بر بیان جنبه‌های گوناگون زندگی انسان‌های آمریکایی نهادند. این تلاش دوگانه به‌ر بنشست و به کامیابی انجامید.

فیلیپ رآو، منتقد آمریکایی، با اشاره به همین روند می‌گوید: «ادبیات آمریکای شمالی سبک بومی و

کمیته ادبی نوبل جایزه امسال خود را به اکتاویوپاز شاعر ۷۶ ساله مکزیک اهدا کرد. پاز که سال ۱۹۵۰ با انتشار کتاب «غلاف تنهایی» از راه جهانی یافت، فرزند یک وکیل می‌باشد در نته‌های فلسفه، حقوق و ادبیات تحصیل کرده است. در پندار و توییایی سیاسی من همه ما خوشبخت ستیم، لیکن همه ما دسته‌کم مسئولیم.» این جمله واقع فشرده اندیشه اکتاویوپاز است که در «غلاف تنهایی» پیوسته بازگو می‌شود. پاز در غالب ن کلمات مشکل خود و مدرنیست‌های دیگر را در خورد با مفهوم «واقعیت» به نمایش می‌گذارد. ن در سخنرانی سال ۱۹۸۷ خود یادآور شد که: امروز هم‌همچون دیروز موقعیت دگرگون شده، اندیشه‌ها نسبی و واقعیت‌ها ناخالص و بر اسیل‌اند.»

پاز در سال ۱۹۴۵ به خدمت وزارت خارجه نزدیک درآمد و در سمت دیپلمات روانه فرانسه شد. ن در آنجا با سورا نالیست‌های فرانسوی تماس گرفت و لحاظ اندیشگی و سبک ادبی از آنها متاثر شده گاهی که پاز شهر رانه به عنوان ابراز بیان و ارتباط که به عنوان تجربه‌ای درونی توصیف می‌کند، واقع تاتر خود از سورآلیست‌ها را به نمایش می‌گذارد. پاز پس از فرانسه ماموریت دیپلماتیک و در ادوار کشورهای دیگری همچون سوئیس و ژاپن و ادامه داد که اقامت در ژاپن آشنایی وی با شعر و ر چین و ژاپن را در پی داشت. پاز نشرده‌گویی اهران چینی و صرغه جویی آنها در کاربرد واژه‌ها را ی ستاید و بر آن است که ناگفته‌ها در شعر به اندازه نته‌ها مهم و بارزند. سرانجام در سال ۱۹۶۸ پاز عنوان اعتراض به سرکوب خونین جنبش دانشجویی ر مکزیک از سفارت هند کناره گرفت و به بریکاریت. سه سال پس از اقامت در آمریکا وی به کرزیک بازگشت و هنوز هم در آنجا به سر می‌برد.

پیوند میان ادبیات و تعیبات هزار تو پیوندی پیچیده است. آثار ادبی که سیله نویسندگان آفریده می‌شوند، از سوی ناشران بش‌شده و خوانندگان و ارزیابان آنها را خواننده، به ن و یا به فراموشی می‌سپارند. همه این عوامل که حیات ادبی جامعه نقش بازی می‌کنند با یکدیگر وند و بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. اثری که به مه نویسنده‌ای پدید می‌آید، توسط خواننده دوباره آفرینی می‌شود. یعنی خواننده با پذیرا شدن و یا ن زدن آن پندارها، گرایشها و سلوک خود را صیقل ده و به این یا آن اندازه دگرگون می‌شود. خوردها و واکنش‌های خوانندگان نسبت به اثر نیز توبه خود نویسنده را متاثر می‌سازند. از این رو بیات شبکه‌ای از پیوستگی‌ها و یا دستگاهی از رابط است که در آن پیام‌ها و یافته‌ها رد و بدل می‌شوند و نویسنده و خواننده در آن در تاثیر و ۱۰ندی متقابل قرار دارند. باید افزود که این دستگاه بوسته، پویا و پرجنبش است. انتشار یک اثر نو، ایگاه و ارزش آثار پیش از خود را دگرگون می‌کند. یدگاه‌ها و اندیشه‌های خوانندگان نیز با خواندن آثار ختلف پیوسته دستخوش دگرگونی و فراگشت می‌باشند. هر خواننده اگرچه گرایش‌ها و یدگاه‌هایش برخاسته از زمینه اجتماعی، تربیت، ن و سال و محیط‌وی می‌باشند، اما وی به هر حال سانی خودویژه است که هیچگاه ثابت و بی‌تحول می‌ماند و از این رو پسند و گرایش‌های امروز وی جان پسند و گرایش‌های دیروز او نیستند. این حکم م در باره نویسنده و هم درباره کتاب‌ها و آثار ادبی عمیم پذیر است. اگرچه ساختارگرایان در نقدهای یش وجود عناصر مشترکی را در همه سبک‌های بی: باز نموده‌اند، اما تردیدی نیست که هر اثر رسته ویژگی خاص خود را داراست و تاثیراتش نیز گانه و خودویژه است. گیرم که آثاری همچون یدیشه: آت‌نیس و یالوزیان در ساختار و سبک درونی بود همان باشند، اما هر کدام از آنها حال و هوای یگری دارد و احساس دیگری به انسان می‌بخشد. ری، ادبیات نوعی پیوستگی میان واقعیت‌ها و تصور تکرار ناپذیر به نام‌های نویسنده، اثر و خواننده است ه با چند مفهوم و فرمول خشک نمی‌توان آن را هریف و تبیین نمود، زیرا همانگونه که گفته شد

خبرها و نظرها

پیرامون دموکراسی و براندازی

در نشریه جمهوریخواهان ملی مقاله‌ای با عنوان نکاتی پیرامون دموکراسی و براندازی بقلم آقای احمد میرداماد درج گردیده است. در این مقاله منجمله رابطه نیروهای سیاسی و نحوه برخورد آنها با یکدیگر مورد بحث قرار گرفته و آمده است: "گفتگوها، مناظره‌ها و بحث‌های شفاهی و قلمی که از چند سال پیش بین طیف‌های سیاسی ایران آغاز شده است آرام آرام سمت و سوی روشنی پیدا می‌کند. اختصاص بخش مهمی از این گفتگوها به چگونگی فراهم آوردن زمینه استقرار دموکراسی در ایران، بازتاب این واقعیت است که هر روز به تعداد گسترده‌تری که دموکراسی را حکومتی مطلوب برای ایران می‌دانند افزوده می‌شود." احمد میرداماد دوران کنونی را دوران جدیدی در سیاست ایران دانسته و معتقد است که راه حل مشکلات این دوران همین بحث‌ها و مناظره‌هاست. "حاصل بحث‌هایی که تاکنون انجام شده را می‌توان در شکل‌گیری دو بینش کاملاً مجزا از دموکراسی و نیز دو راه حل سیاسی برای تدارک استقرار آن در ایران مشاهده کرد. آنچه که بحث پیرامون نظریه سیاسی است شاید دو شیوه متفاوت در نقد و ارزیابی نظرات هستیم. اولی انتقاد و فاش‌گفتن اختلافات را با امید رفع اشتباهات گذشته طرح می‌کند و از این گفتگو هدفی جز اقدام هر چه بیشتر نیروهای سیاسی در چارچوب دموکراتیک ندارد. اما دومی انتقاد را وسیله‌ای برای طرد حقوقی و حقیقی طیف یا طیف‌هایی از شرکت در تعیین سرنوشت آن کشور به شمار می‌آورد.

آنچه که بحث به اجمال سیاست باز می‌گردد نیز دو راه حل در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. یکی سرنوشتی یا براندازی را مقدم بر امکان طرح دموکراسی همچون پروژه‌های سیاسی و اجتماعی برآورد می‌کند. حال آنکه دومی امکان موفقیت پروژه دموکراسی را در پیوند با وسعت شرکت طیف‌های مختلف سیاسی در تعیین سرنوشت آینده کشور می‌بیند. پس بر این نظر است که همین امروز باید کاری کرد تا رودررویی اجتناب‌ناپذیر نیروهای سیاسی ایران در چارچوب حقوقی معینی صورت پذیرد. اولی امروز و اکنون سرنوشتی می‌خواهد به امید آنکه در فردای آن انتخابات آزاد برقرار کند. دومی انتخابات آزاد می‌خواهد زیرا بر این نظر است که تغییرات آرام و تعویض قانونی قوانین یگانه شایسته‌کشوری مانند ایران برای رسیدن به دموکراسی است.

به نظر من اختلاف سیاسی بین کسانی که انتقاد را به هدف اقدام هر چه بیشتر نیروهای سیاسی بکار می‌برند و کسانی که از انتقاد مدنی جز طرد طیف یا طیف‌هایی از صحنه سیاسی ندارند از درک‌های مختلف ناشی می‌شود. روشن است که در اینجا روی صحبت ما با طرفداران دموکراسی است و نه با آن افراد و نیروهایی که آگاهانه هنوز نوعی دیکتاتوری را راه نجات ایران می‌دانند. هیچ پروژه‌های اجتماعی نمی‌تواند بدون پشتیبانی نیروی اجتماعی در جامعه استوار بماند. اما اگر پروژه‌های دیکتاتوری و نخبه‌گرایانه (الیتیست) به پشتیبانی یک قشر و یا طبقه بیشتر نیازی ندارند، دموکراسی محتاج پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه است. دموکراسی بدون پشتیبانی اکثریت اقشار و طبقات یک جامعه که بواسطه نهادی صنفی و سیاسی خویش در سیاست شرکت می‌کنند، حتی اگر همچون اتفاقی تاریخی بوقوع بپیوندد، دیرپا نخواهد بود. کسانی که از انتقاد بعنوان سلاح طرد سایر نیروهای اجتماعی استفاده می‌کنند، هنوز در نیافته‌اند که دموکراسی نتیجه مبارزه یک طیف یا نیرو (هر چقدر هم که خالصانه و مخلصانه دموکرات باشد) نیست بلکه نتیجه پیکار گروه‌های متعددی است که همگی برای مبارزه در راه اهداف اجتماعی که برگزیده‌اند از دموکراسی بعنوان فضای تنفس و رشد خویش دفاع می‌کنند.

پس شکست یک سازمان در روند تمایزش به سمت دموکراسی به معنای تضعیف دموکراسی است و اولی سازمان‌هایی که از این تضعیف آسیب خواهند دید، دقیقاً آنهاست هستند که جز در یک چنین چارچوبی امکان فعالیت سیاسی ندارند. از این رو زمانی که در یکی از طیف‌های سیاسی ایران با سستی استبدادی، گرایشی و تمایلی به پذیرش دموکراسی نشان می‌دهد، هرگونه برخورد انتقادی از جانب طیف‌های سابقه سیاسی دموکراتیک جز برای تحکیم این گرایش نباید هدف دیگری را دنبال کند. به عنوان مثال در نقد و ارزیابی گرایش دموکراتیکی که در سلطنت طلبان بوجود آمده است جمهوریخواهان ملی ایران بارها به لزوم و اهمیت سازماندهی در این طیف، نقد گذشته استبدادی، طرد عوامل افراطی و... اشاره کردند. هدف این انتقادات یادآوری این واقعیت است که اگر میانجی‌های نامبرده مهیا نشوند، تغییر شرایط جهانی، تغییر توازن نیروهای اجتماعی، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی

می‌توانند بر موضع‌گیری‌های فردی تاثیر گذارد و تمایل به دموکراسی جای خود را سریعاً به تعویج و ترفیب به سرکوب و دیکتاتوری بدهد. اما در همین حال برای من به عنوان یک جمهوریخواه روشن است که اگر طرفداران مشروطه سلطنتی نتوانند همچون سازمانی با ساختار برنامه‌ای دموکراتیک در جامعه نقش بازی کنند و اگر روند دموکراتیکی که در اکثریت چپ ایران آغاز شده است با موفقیت پایان نرسد و اگر در میان نیروهای مذهبی ایران شکافی به سود دموکراسی بوجود نیاید، میلیون ایران نخواهند توانست به تنهایی پروژه سیاسی و اجتماعی دموکراسی را در ایران به ثمر رسانند. یعنی از ورشکسته اعلام کردن طیف‌های مهمی از نیروهای سیاسی ایران و بالطبع مخروم دانستن آنان از شرکت در تعیین سرنوشت آن کشور جز تضعیف امکان برقراری دموکراسی نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.

بحث طولانی که پیرامون لزوم پذیرش موجودیت و همزیستی نیروهای سیاسی که پیرو لزوم همکاری آنان در تقابل با استبداد حاکم آغاز شد. قسمت مهمی از اصل مسأله سیاسی را از چارچوب گفتگوها خارج کرده است. آنچه هنوز بدستی موضوع گفتگو بین نیروهای سیاسی قرار نگرفته سیاستی است که باید پیش گرفته شود تا امکان همسویی مبارزه طیف‌های مختلف فراهم آید.

و این مبارزات همسو در جهت تدارک زمینه‌گذار به نظامی دموکراتیک موثر واقع گردد. خطر ناشی از مسکوت ماندن این بحث، همانا القا این تصور نزد هم میهنانمان است که گویی هر تجمعی از نیروهای اپوزیسیون با هر برنامه‌ای سیاسی شرط لازم و کافی خلاصی از استبداد در ایران است. نتیجه اسفناک‌تر اما این خواهد بود که انرژی و نیروی بسیار زیادی صرف گردآوری جمعی خواهد شد که نمیدانند چه سیاستی را میخواهند و میتوان پیش‌گامی این سیاست است که باید امروز موضوع بحث و گفتگو بین نیروهای سیاسی که برای برقراری دموکراسی در ایران مبارزه میکنند قرار گیرد.

☆ ☆ ☆ ☆ ☆ ☆

گردهمائی پیرامون بررسی امکان انتخابات آزاد

در روزهای هفتم و هشتم مهرماه جلسه بحثی در شهر ماینس آلمان با عنوان "بررسی امکان انتخابات آزاد در ایران" بدهوت جبهه ملی ایران در اروپا و سازمان سوسیالیست‌های ایران برگزار گردید. در این اجلاس نمایندگان جبهه ملی ایران در اروپا، سازمان سوسیالیست‌های ایران، حزب دموکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، نهضت مقاومت ملی، جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی، شورای هماهنگی طرفداران پادشاهی مشروطه و جنبش ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران شرکت داشتند.

آقای دکتر علی راسخ افشارنماینده جبهه ملی ایران در اروپا اظهار داشت: شعار انتخابات آزاد میتواند در این مقطع راه گشا باشد با توجه به رویدادهای کشورهای اروپای شرقی و اتحادشوروی و با توجه به رویدادهای شیلی، پاکستان، نیکاراگوئه و فیلیپین میتوان نتیجه گرفت که در ایران هم شاید بتوان از این طریق رژیم جمهوری اسلامی را در مرحله اول تعدیل کرد و به درون آن نفوذ یافت و در مرحله دوم رفته رفته حاکمیت ملی را استوار نمود. پارلمان و انتخابات پارلمانی بصورت سمبل دموکراسی و حاکمیت ملی از چنان جایگاهی در قرن اخیر برخوردار است که حتی خشن‌ترین دیکتاتورها هم مجبور بوده‌اند وجود این نهاد را در جامعه خود تحمل کنند.

آقای عبدالرضا کریمی نماینده حزب دموکرات ایران در سخنان خود منجمله مطرح کرد: انتخابات آزاد اصول دموکراسی است. اما اینکه از جمهوری اسلامی انتظار عقب نشینی در رابطه با انتخابات آزاد را داشته باشیم، توهمی بیش نیست و در حال حاضر اپوزیسیون ایران در شرایط تحمیلی آن به جمهوری اسلامی نمی‌باشد.

بعنوان شیوه‌ای از مبارزه، شعار انتخابات آزاد میتواند وسیله‌ای باشد که آزادی فعالیت احزاب پیش شرط آن بشود. در غیر اینصورت به عنوان یک شعار استراتژیک خوش خیالی خواهد بود. در شرایط دموکراتیک و آزاد، انتخابات با رعایت اکثریت نسبی رای مردم هیچ مغایرتی با سیاست‌های اصولی حزب ما ندارد. مسأله دموکراسی را بصورت یک امر کلی مطرح کردن یک سنسپله است. بنظر ما تمرکز زدایی اصل مهم در تحقق آزادی و دموکراسی در ایران آینده است. باید نهادهای مهارکننده و مانع مرکز قدرت که دموکراسی را تضمین میکنند، در میان خلق‌های ایران ایجاد گردد.

آقای حسن نصیریان نماینده حزب دموکراتیک مردم ایران در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: در شرایطی که هیچ‌گونه امکان رفم و اصلاحات جدی سیاسی و اجتماعی فراهم نیست، چنین رژیمی را نمیتوان با استفاده از موازین دموکراتیک ناموجود و با تکیه بر آرا مردم که امکان ابراز آرا در آن خود را ندارند تغییر داد.

بر اساس نظریات حزب دموکراتیک مردم ایران شعار انتخابات آزاد بعنوان محور اصلی و بجای اصل سرنوشتی رژیم نمی‌تواند قابل قبول قرار گیرد. چون در نظام حاکمه جمهوری اسلامی اصولاً امکان انتخابات آزاد نمی‌تواند وجود داشته باشد. رژیمی که کلیه نهادها و دستگاهها را در دست داشته و با سبب زور، رهب و وحشت و اختناق حکومت میکند، امکان انتخابات آزاد حتی با وجود دخالت سازمان‌های بین‌المللی نمیتواند عملی گردد. اکثرانیاتو در مقابل جمهوری اسلامی ائتلاف وسیع ملی توسط نیروهای دموکرات و معتقد به اصول آزادی و دموکراسی و رعایت حقوق بشر میباشد و در این برهه شعار انتخابات آزادکاری مستمر از پیش‌نخواهد برد.

نماینده نهضت مقاومت ملی ایران اظهار داشت: یک نیروی سیاسی نباید امکان مبارزه را از قبل رو کند و نه اینکه بدون در نظر گرفتن همه جوانب آنرا مطلق نماید و تنه‌راه ممکن بداند. بنابراین لازم است که یک نیروی سیاسی اشکالات قانون اساسی جمهوری اسلامی را با تبلیغات وسیع نشان دهد و نمایان سازد که در چارچوب شرایط و قانون امروز ایران انتخابات آزاد مجلس جمهوری اسلامی ممکن و درست نیست. ضمناً برگزاری انتخابات آزاد شرایطی را میخواهد که اگر رژیم جمهوری اسلامی آن شرایط را یعنی بعنوان مثال آزادی حزب، امکان مبارزه هلنی و تبلیغ سیاسی هلنی و آزادی مطبوعات و... را بپذیرد بسیاری از مواد اصلی قانون اساسی خود را زیر پا گذاشته است. پس نیروهای اپوزیسیون میتوانند در یک دوره مبارزه هلنی و آزاد مسائل و نقله نظرات خود را مطرح کنند و نیروهای موثلف بایک برنامه سیاسی دموکراتیک به پای انتخابات بروند.

انتخابات آزاد راه رسیدن به دموکراسی و آزادی و شیوه مبارزه را تعیین میکند.

آقای دکتر حسن کیانزاد نماینده همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی اظهار داشت: جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی نه تنها با طرح شعار انتخابات آزاد هیچگونه ندارد بلکه بر این باور است که اگر همه گروهها و سازمانها و شخصیت‌های اپوزیسیون اصول دموکراسی و از آن جمله یلو سیاسی را پذیرفته باشند برای رسیدن به این هیچ راهی جز انجام یک انتخابات آزاد یعنی اراده آزاد مردم ایران وجود ندارد. اما تحقق اراده آزادی هنگامی میسر میشود که در پشت انتخابات آزاد امرمی توانمند از نیروهای من یکپارچه و به هم پیوسته همه آزادیخواهان دوست در طیف گسترده خود قرار گرفته بتوانند با کنش‌های مداوم و شبانه روزی خودآر و حرکت ویژه دینامیکی را به وجود آورد که رادربرابرخواست مردم ایران به تمکین و وادار کند.

آقای دکتر علی عینی نماینده شورای مطرفداران پادشاهی مشروطه منجمله اظهار داشت: شعار انتخابات آزاد هر چند در برنامه تبلیغاتی اپوزیسیون قرار گیرد و نشانگر روحیه جدید اپوزیسیون و واقع سیاسی او باشد باز به دلیل جوهر و واقعیت سیاسی اسلامی یک شعار جامع کامل نیست. بردسیا، محدود و جنبه‌های استراتژیک آن ضعیف است. انتخابات آزاد با در نظر گرفتن ماهیت جمهوری اسلامی و ولایت فقیه اش که ماهیت آن را روشن است استراتژی نیست بلکه شعار است این شعار با گزینش یک استراتژی شایسته هم‌آنگاه نقش پرزاد خواهد بود.

حاجت‌مهرین ارجمند نماینده ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران منجمله طرح کرد: وضع اقتصادی و اجتماعی ایران کنونی دموکراسی است. اقتصاد انحصار در دست دولت، انسانی که از فرط فقر و استیصال کلیه می‌فروشد چگونه امکان دارد که رای خود را از حکومتی که تادندان برای سرکوب ملت خواست و از حکومتی که خود را محقق میداند رنگ لباس مردم دخالت کند چگونه انتظار بر آن انتخابات آزاد میتوان داشت.

جبهه ملی ایران و سازمان سوسیالیست ایران در جمع‌بندی این میزگرد اظهار داشتند: نظرات و نتیجه‌گیری نمایندگان سازمان شرکت کننده در میزگرد نسبت به موضوع مورد تفاوت بود. این نظرات را میتوان بصورت تقسیم بندی کرد:

۱- برخی بر این نظر بودند که اگر چه انتخابات آزاد هیچگونه مخالفتی ندارند. اما تا که رژیم جمهوری اسلامی در ایران وجود دارد، نیروهای اپوزیسیون بطور پراکنده عمل، طرح شعار انتخابات آزاد بی‌فایده است.

طرح این شعار از سوی نیروهای مخالف به رسمیت شناختن رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد. در مرحله فعلی سرنوشتی رژیم با دستور کار نیروهای مخالف باشد.

۲- عده‌ای شعار انتخابات آزاد را در مرحله، شعاری صحیح ارزیابی کردند و معتقد بودند که شعار باید بعنوان شعار محوری نیروهای ایران در دستور کار قرار گیرد. نیروهای نباید با آن برخوردی تاکتیکی داشته باشند بلکه آن بصورت استراتژیک برخورد کنند و برپای شعار مسأله همکاری و ائتلاف نیروهای مخالف رژیم را مطرح میکردند.

۳- نظریه دیگری مطرح بود که شعار انت آزاد در مرحله فعلی میتواند بصورت تاکتیک دستور کار نیروهای مخالف رژیم قرار گیرد، توجه داشت که بخاطر حکومت ترور جمهوری اسلامی در ایران این یک شعار بیش نیست نه جامع و کامل و به هیچ وجه نمیتواند به استراتژیک مطرح باشد. اول باید جامعه از استبداد و برانگتر حکومت مذهبی آزاد شود آنگاه چارچوب موازین دموکراتیک به انجام انتخابات دست زد.

۴- نظریه عده‌ای دیگر را میتوان به این جمع‌بندی کرد که دموکراتیزه کردن جامعه با دستور کار نیروهای سیاسی مخالف رژیم ولایت قرار گیرد. بدین منظور این شعار باید هم از تاکتیکی و هم استراتژیک جزء وظایف دموکرات جامعه باشد اما با توجه به وضع استبداد و ولایت فقیه در ایران این شعار بتنهائی نمیتواند شعار کامل باشد باید توجه داشت که تحقق ایران به پیش شرط‌هایی احتیاج دارد.

مصاحبه اشپیکل با الکساندر یاکوفف

کوتاه شده

اشپیکل: آقای یاکوفف حال رئیس جمهور شما پس از اینکه تمام حقوق ویژه‌های را که برای خود آرزو می‌کرد، بدست آورد، چگونه است؟

یاکوفف: اختیاراتی را که گارباچف بدست آورد نه به خاطر آزادی شخصی او بلکه بخاطر وضعیت ویژه کشور بود. و پارلمان نیز اینرا بدرستی درک کرده است. باید افزود این حقوق ویژه را گارباچف فقط در دوره پیشبرد فرم اقتصادی داراست. اشپیکل: اینچنین به نظر میرسد که دستورات رئیس جمهور توسط پائینی‌های حزب دولت اجرا نمی‌شوند. موقعیت حقوقی رئیس جمهور پیش از این نیز ضعیف نبود.

یاکوفف: نه، از زاویه صرفا حقوقی رئیس جمهور چنین اختیاراتی نداشت. زمانی که مجلس نمایندگان خلق تصمیم به تکمیل قانون اساسی گرفت خود درگیر مبارزه برای کسب حقوق بیشتر در مقابل نمایندگان شورای عالی اتحاد شوروی که از امتیازات ویژه‌های برخوردار هستند نیز بود.

اشپیکل: چه اموری باید تصحیح شوند؟

یاکوفف: این یک ضرورت عینی در جامعه ماست که مسئولیت موسسات و ارگانهای باید با جدیت از یکدیگر تفکیک

شوند. نه تنها بین رئیس جمهور و پارلمان بلکه بین قوای مختنه، مجریه قضائیه و بالاخره بین حکومت مرکزی و جمهوری ملی مستقل در جامعه ما همه چیز باید جای واقعی خود را پیدا کنند.

اشپیکل: بر سر هر موضوعی در پارلمان و کمیته مرکزی گارباچف با مقاومت شدیدی روبرو می‌شود. اما هنگامی که رای گیری اکثریت قابل توجهی برسیاست او صحنه می‌گذارند، این نشانه‌ای از همان تفکر کهنه نیست که علیه بالاتر نباید رای داد؟

یاکوفف: نه، اکثریت نمایندگان درک کرده‌اند که گرفتن تصمیم مشخصی ضروری هستند و بهمین خاطر نیز موافقت خود را اعلام می‌کنند.

علاوه بر این همه موارد پیشنهادی توسط گارباچف با موافقت روبرو نشده‌اند. بطور نمونه می‌توان از مخالفت مجلس با تصمیم او مبنی بر اینکه اجازه برپایی تظاهرات در شهر مسکو باید از جانب شورای وزیران صورت گیرد و نه شهردار مسکو.

اشپیکل: فرم اقتصادی باید در ۵۰۰ روز اجرا شود. فکر می‌کنید این عملی است؟

یاکوفف: بله.

اشپیکل: خود شما از گسترش لختی و رکود در کشور صحبت کرده‌اید.

یاکوفف: ۵۰۰ روز کافی

است اگر برنامه گروه شاتالین و رئیس جمهور تصویب شود. اگر پارلمان به برنامه ریشکوف رای دهد، فاصله ۵۰۰ روزه ارزیابی غیر واقعی بنظر می‌رسد. این نکته نیز قابل ذکر است که افکار عمومی شوروی کهنه قضیه را درک نکرده است.

اشپیکل: جامعه در آستانه "اگرایی" تصویری است که مردم جهان از اتحاد شوروی می‌بینند.

یاکوفف: از "اگرایی" صحبتی در میان نیست. اشپیکل: می‌توانید سیستمی را تصور کنید که در آن رئیس جمهور فقط مسئول سیاست خارجی و دفاع باشد و بقیه امور در اختیار جمهوری‌ها قرار گیرد؟

یاکوفف: جمهوری‌ها شروع کرده‌اند حقوقی را که در چارچوب قانون اساسی در اختیار دارند، اجرا کنند. بهمین دلیل نه روند "اگرایی" بلکه "همگرایی (انترگراسیون)" پیش می‌رود و نتیجه آن نیز در مقامی با امروز "اتحادی" که مبنای آن جمهوری‌های مستقل و قدرتمند است. رئیس جمهور سبیل این اتحاد می‌شود.

اشپیکل: ممکن است این سبیل فقط هروسک آلت دست رئیس جمهور بزرگترین ایالت یعنی روسیه باشد؟

یاکوفف: ابتدا، اشپیکل: باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه اخیرا نوهی تقسیم کار با گارباچف را تکذیب کرد. یلتسین بیان کرد که به تیم گارباچف تعلق ندارد.

یاکوفف: یک مسئله وجود دارد. اما راه حل آنجایی نیست که در گفتگوهای طولانی فعلی دنبال می‌شود. یک طرف می‌گوید: قوانین اتحاد بدون استثنا بر قوانین جمهوری‌ها ارجحیت دارند. طرف دیگری می‌گوید: قوانین جمهوری‌ها بدون استثنا بر قوانین اتحاد ارجح هستند. هر دو استدلال به یک اندازه بی‌معنایند. بیش از هر چیز باید مرز بین هر صدهای مختلف مشخص شود. ارجحیت هر قانونی در هر صدهای خود مشخص می‌شود. اشپیکل: بعنوان یک روس، ارزیابی شما از جنبش شوروی نیستی جدید در روسیه چیست؟

یاکوفف: تنفر انگیز است. اشپیکل: اخیرا در خیابانهای شهر مسکو ارتدکس‌های مذهبی تظاهراتی برای انداختن و هکس تزار را نیز حمل می‌کردند. آیا تزار است ها امکان فرار و پیدایی به یک جنبش جدی را دارند؟

یاکوفف: دیوانه همه جای جهان پیدایی می‌شود. اشپیکل: شما گفته بودید که پرسترویکا تازه شروع شده است. پنج سال از آغاز پرسترویکا می‌گذرد. برای آغاز این مدت طولانی نیست؟

یاکوفف: من گفته بودم که پرسترویکا در مفهوم ویژه‌های "تازه آغاز شده است". پنج سال سپری شده برای دوره آماده سازی فرم ها که در آن گرفتن

تصمیم مشخصی با اهداف اولاً دگرگونی سیستم سیاسی ثانيا تغییر ساختار اقتصادی، ضروری بودند.

اشپیکل: بسیاری از هموطنان شما معتقدند پرسترویکا فقط برای روشنفکران دستاورد داشته است و توده مردم از آن نفعی نبرده‌اند. چه جوابی به آنها می‌دهید.

یاکوفف: به آنها حق می‌دهم. اشپیکل: اما مردم از انتظار نیز خسته‌اند.

یاکوفف: من نیز با شما همنظرم. البته ما زمان زیادی در اختیار نداریم! معذالک نباید پیرامون کمبودها فراموش کرد که بیش از نیمی از مواد غذایی توسط موسسات تولیدی تحویل داده می‌شوند. بسیاری از موسسات یاد گرفته‌اند مواد غذایی را مستقیما به فروش برسانند.

اشپیکل: پس چرا صف‌های طولیل هنوز برقرارند؟

یاکوفف: از خالی بودن مغازها بیش از همه باز نشستگان، اطباء و کارمندان رنج می‌برند و طبعا نیز ناراضی و مضطربند. چندی پیش من پیشنهاد دادم که سهم دریافتی آنها با سهم کارکنان موسسات تولیدی یکی شود.

اشپیکل: وضع فاجعه بار تقسیم مواد غذایی از چه چیزی ناشی می‌شود؟ تحریکات دستگاه تجاری؟

یاکوفف: دقیقا همین است. اشپیکل: در چه سطحی صورت می‌گیرد.

یاکوفف: اگر ما اطلاعات دقیقی از وسعت آن داشتیم قطعا مقابله می‌کردیم. ما وسعت واقعی آنرا نمی‌دانیم و از اینکه چه کسانی نیز دست به این اقدامات می‌کنند نیز مطلع نیستیم.

اشپیکل: شما چه جوابی به سرخهای محافظه کار می‌دهید که می‌گویند در صورت موافقت گارباچف و یاکوفف با برنامه شاتالین بساط کمونیسم بر چیده می‌شود.

یاکوفف: اگر ما بتوانیم برنامه شاتالین را اجرا نکنیم کمونیسم قوی‌تر خواهد شد. این جواب من به آنهاست. علاوه بر این باید بگویم که به اینگونه "ترمینولوژی" هلاکه نذارم.

مهمتر از هر چیزی برای من این است که انسانها بهتر زندگی کنند و اگر بتوانند بهتر زندگی کنند برای آنها سوال بیست و چهارم خواهد بود که در کمونیسم زندگی کنند یا چیزی دیگر.

اشپیکل: معذالک، موسسات دولتی خصوصی می‌شوند! امری که شما قصد پیش برد آن را دارید کمونیستی نیست.

یاکوفف: چرانیست؟ اشپیکل: بخاطر اینکه تحت تاثیر بازار سرمایه داری است.

یاکوفف: چه کسی چنین ادعایی می‌کند.

اشپیکل: تئوریسین های سرمایه داری و سوسیالیسم.

یاکوفف: بازار اما در دوره برده داری و فئودالیسم نیز وجود داشته است.

نظرات اکتاویو پاز پیرامون ادبیات و جهان سیاست

بقیه از صفحه ۵

دور حاصل مجموعه آثاری است که مضمون هر کدام از آنها در زمانگان مشخصی جریان می‌یابد و سبک و شیوه ویژه‌های هم در آنها به کار گرفته شده است، اما هنر امروز برآمد همگرایی‌ها و در هم آمیزی زمانگانهای متفاوت و سبک و شیوه‌های گوناگون است. در زمینه نگرش به رابطه ادبیات و تاریخ نیز پایان این سده دورانی چرخشی خواهد بود، زیرا ما به این درک می‌رسیم که تاریخ برگ سفید و سیاه بی‌لیکی است که آراستن آن با خصلت و ویژگی‌های انسانی برترین وظیفه شاعران و نویسندگان است. ادبیاتی که از این رهگذر پدید می‌آید بر تاریخ چشم نخواهد بست، ولی از ساده‌نگریهای هنر ایدئولوژیک و نفی و تاییدهای جز می‌حذر خواهد کرد. این ادبیات به جای تکیه بر یقین و ایمان به راه پرش و کاوش می‌رود و شعری که پدید می‌آید نه رانما، بلکه راجع خواهد بود. این ادبیات بت‌ها و نشانه‌ها را فرو می‌ریزد و انسان را در برابر هلاکتی می‌نهد که از آغاز تاکنون با آن مواجه بوده است. هلاکت سوال.

این هلاکت راجع هنر مند آمریکای لاتین رسم کند و چه هنرمندی از دیار دیگر، بهر رو معنا و بازتابی جهانی می‌یابد.

* * *

بخشی از سخنرانی اکتاویو پاز درباره رابطه آزادی و هنر و خطر گسترش قوانین بازار به هر صده هنر. این سخنرانی چندی پیش در مکزیک و در کنفرانسی تحت عنوان "سده بیستم و تجربه آزادی" ایراد شده است:

ادبیات نوین در سده هجدهم پدید آمد و به مقابله و ستیز استبداد دولتی و امر و نهی کلیساها مواجه گشت. در سده نوزدهم ادبیات آزاد رشد و

ماندلا آماده ملاقات با بوتلزی است

روز دوشنبه ۲۲ اکتبر کنگره ملی آفریقا (ای.ان.سی) پس از ماهها خودداری از انجام مذاکره با جنبش راسترگرای اینکاتا در آفریقای جنوبی، برای انجام چنین گفتگویی اعلام آمادگی کرد. طبق بیانیه ای.ان.سی، قرار است ملاقات میان نلسون ماندلا معاون رئیس ای.ان.سی و مانگوسوتوتوتولزی رهبر قبیله زولو جنبش اینکاتا به زودی صورت گیرد.

ماندلا هفته گذشته در جریان دیداری از استرالیا آغاز مجدد درگیری‌های قومی در

بحران دولت هند

پارلمان هند ۸۶ کرسی دارد، به همراه کمونیست ها که ۴۳ نماینده پارلمان دارند، تاکنون از دولت اقلیت سینگ حمایت می‌کرد. از ۵۴ کرسی مجلس نمایندگان هند، احزاب حاکم متحد در "جبهه ملی" تنها ۱۴۴ کرسی در اختیار دارند.

حزب بهاراتیا جاناتا قبلا به دولت سینگ هشدار داده بود که مانع از ساختن معبد هندوها در مکانی که هم برای آنها و هم برای مسلمانان مقدس است، نشود. برای ساختن این معبد، طی ماه‌های اخیر هندوها نیروی زیادی بسیج کرده‌اند. نخست وزیر هند روز ۲۳ اکتبر در

سخنویان الملل: افزایش جنایات "جوخه‌های مرگ" السالوادور

به گزارش سازمان هغو بین الملل، طرف هفت ماه نخست سال جاری شمار قتل‌هایی که توسط "جوخه‌های مرگ" در السالوادور صورت گرفته‌اند، به نحو محسوسی افزایش نشان می‌دهد. "جوخه‌های مرگ" عنوان گروه‌های جنایتکاری است که با ارتش السالوادور در ارتباطند و از سالها پیش دست به ترور فعالان سیاسی چپ می‌زنند. گزارش هغو بین الملل می‌افزاید مجموعه اطلاعات بدست آمده در سال‌های اخیر، از جمله

گزارش‌های شاهدان عینی که قلا ارتشی بوده‌اند، به روشنی نشان می‌دهد که مسئولان این قتل‌ها با نیروهای مسلح ارتباط دارند. در بیانیه هغو بین الملل آمده است نقض حقوق بشر در السالوادور که دولت راستگرایان افراطی بر آن حاکم است، اغلب به این بهانه صورت می‌گیرد که قربانیان با سازمان چریکی فارابوندو مارتی ارتباط داشته‌اند. هغو بین الملل در گزارش خود نسبت به "نقض حقوق بشر توسط فارابوندو مارتی" نیز اظهار "نگرانی" کرده است

و در این مورد، به عنوان مثال آدم ربایی و اعدام را آورده است.

دولت آمریکا کاهش کمک نظامی به السالوادور را که به تصویب کنگره ایالت متحده رسید، مورد انتقاد قرار داد. اما هنوز معلوم نیست جرج بوش تصمیم کنگره را و تو خواهد کرد یا نه. مارگارت توتوایلر

سخنگوی وزرات خارجه آمریکا گفت تنها زمانی می‌توان درباره تدابیر خلع سلاح مذاکره کرد که چریک‌های فارابوندو مارتی به روشنی از پیشرفت در مذاکرات صلح حمایت کنند. طرف ده سال گذشته آمریکا بیش از یک میلیارد دلار به السالوادور کمک نظامی داده است.

بحران بودجه آمریکا لاینحل مانده است

کنگره آمریکا تا اواسط هفته گذشته هنوز نتوانسته بود در مورد طرحی برای پایان دادن به بحران چند هفته‌ای بودجه دولت فدرال، به توافق برسد. هلیرفم توافق کلی روسای دو فراکسیون کنگره در مورد نحوه کاستن از کسری بودجه، بسیاری از نمایندگان کنگره از هر دو حزب با طرح تهیه شده مخالفتند. این طرح از جمله شامل افزایش مالیات بر درآمدهای بالاست. چهارشنبه گذشته مدت اعتبار یک بودجه موقت به امور مالی را برای مدت کوتاهی سروسامان داده بود، به سر رسید. رییس کمیته بودجه مجلس نمایندگان آمریکا گفت که برای ادامه مذاکرات تلاش می‌کند.

جرج بوش رییس جمهوری در یک گردهمایی برای انتخابات کنگره که دو هفته بعد برگزار خواهد شد، اظهار داشت که "عدم توانایی کنگره" او را دچار یاس کرده است. وی گفت اگر تا پایان موعد مقرر طرح قابل قبولی برای بودجه آماده نشود، نمی‌داند چکار باید بکند. در این صورت، رئیس جمهور یا باید قانون موقت سومی امضا کند و یا به قطع کلی همه هزینه‌ها تن دهد. مذاکرات بودجه آمریکا به این هلت دشوار است که در مجلس نمایندگان و مجلس سنای آمریکا حزب دمکرات اکثریت دارد. طرح مورد توافق روسای دو

فراکسیون، پیش بینی می‌کند که حداکثر نرخ مالیات بر درآمد، از ۲۸ به ۳۱ درصد افزایش یابد، بر بنزین به مقدار پنج سنت برای هر گالون (۳/۸ لیتر) افزوده شود، عوارض برخی مشروبات الکلی، دخانیات و کالاهای لوکس بالاتر رود و حق عضویت در بیمه درمانی دولتی بیش از دو برابر شود. بدین ترتیب بیش از دو برابر سال مالی ۹۱-۱۹۹۰، نخستین گام در برنامه صرفه‌جویی در بودجه دولت آمریکا برداشته شود. این برنامه که ره‌ئوس آن به تصویب رسیده است، هدف کاستن ۵۰۰ میلیارد دلار از کسری بودجه ایالات متحده تا سال ۱۹۹۶ را دنبال می‌کند.

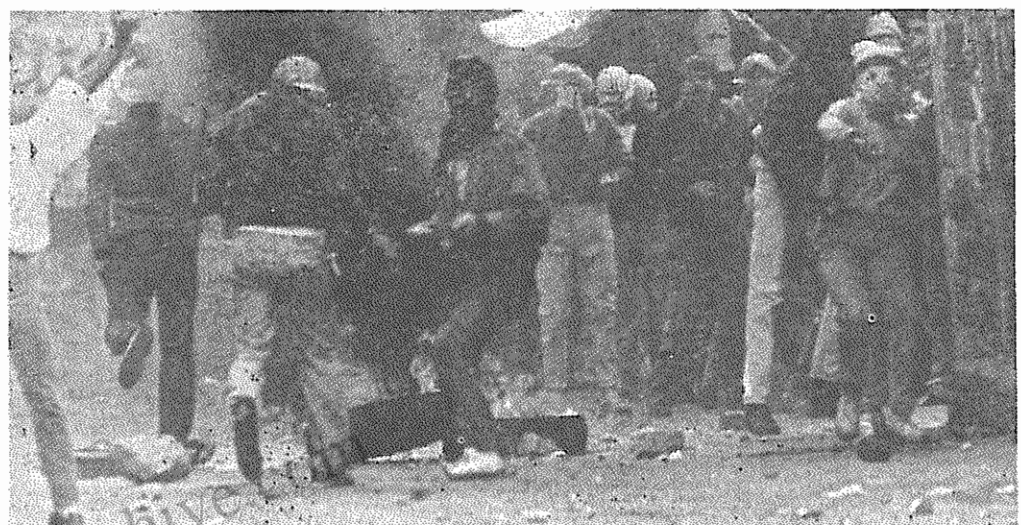
بوش قانون امکانات برابر برای نژادهای مختلف را توکرد

جرج بوش رئیس جمهور آمریکا یک طرح قانونی برای تأمین امکانات برابر برای همه شهروندان در بازار کار را توکرد. وی در توجیه مخالفت خود با قانون مصوب اکثریت نیرومند کنگره اظهار داشت مقررات وضع شده تا آن حد سخت است که هلیرفم نیت نیک آن، در عمل به تأثیر بر عکس خواهد انجامید. ناظران احتمال نمی‌دهند که در کنگره، اکثریت دوسوم لازم برای بی‌اثر کردن وتوی بوش شکل بگیرد.

رئیس جمهور ایالات متحده اظهار داشت وضع مقرراتی بدین دشواری به این امر خواهد انجامید که کارفرمایان با برقراری یک نظام سهمیه‌بندی در استخدام و ارتقای وابستگان به گروه‌های مختلف نژادی، در مقابله با هر شکایت رهایت سهمیه‌ها را مطرح خواهند کرد. بوش افزوده است از این طریق، برابری امکانات گسترش نخواهد یافت بلکه از بین خواهد رفت. وی از کنگره خواست تا پیش از پایان دوره قانون گذاری جاری که احتمالاً این هفته خاتمه می‌یابد، طرح پیشنهادی رئیس جمهور را که فائده

مقررات سهمیه‌بندی است تصویب کند. در صورت تصویب طرح کنگره، هملاش حکم اساسی دیوان عالی کشور آمریکا مورد تجدید نظر قرار می‌گردد. طرح کنگره، از جمله ممنوعیت تبعیض نژادی در محل کار و پرداخت جریمه در مورد تخلفات سنگین را پیش‌بینی می‌کند. در صورت تصویب این طرح، در ادای شکایت به هلت تبعیض در محل کار تسهیلات ایجاد می‌شود و امکانات کارفرمایان برای دفاع از خود محدود می‌گردد. ادوارد کندی سناتور دمکرات از ماساچوست، وتوی بوش را فم‌انگیز و تنگ‌آور خواند و افزود: "وقتی پای عمل به میان آید، کاخ سفید با برابری نژادی مخالف است." وتوی طرح مزبور به ویژه از سوی جمهوری خواهان محافظه‌کار و سرمایه‌داران مورد استقبال قرار گرفت. سناتور سیاهپوست جان کانیرز از حزب دمکرات پس از وتوی بوش گفت: "وتوی بوش تضمین می‌کند که سیاهپوستان برای ماندن در حزب دمکرات مصمم تر شوند."

اسرائیل و مناطق اشغالی: نآرامی ادامه دارد



روز چهارشنبه ۲۴ اکتبر ارتش اسرائیل یک بار دیگر مناطق اشغالی را محاصره کرد و مانع از ورود فلسطینی‌ها به خاک اسرائیل برای رفتن به سر کار خود شد. با این اقدام، هزاران فلسطینی از امرار معاش تازمانی که محاصره ادامه یابد، محروم شدند. اقدام اسرائیل به دنبال ادامه نآرامی‌هایی صورت گرفت که از هنگام کشتار شرکت کنندگان در تظاهرات فلسطینی‌ها در بیت المقدس آغاز شده بود. در روز سه‌شنبه ۲۳ اکتبر، ده‌ها فلسطینی در شهر جلیله واقع در شمال اسرائیل به بهانه حمله یکی از ساکنان مناطق اشغالی به دو سرباز زن اسرائیلی بازداشت شدند. نیروهای سرکوبگر اسرائیل چند مورد حمله با سلاح‌های سرد از سوی فلسطینی‌ها را

پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به پیشنهاد فرانسه مذاکراتی در باره اوضاع "نگران کننده" در لبنان انجام دادند. سفرای چین، شوروی، آمریکا، بریتانیا و فرانسه در سازمان ملل، در باره اقدامات احتمالی پس از قتل دانی شمعون، سیاستمدار مسیحی لبنانی و خانواده اش، به گفتگو نشستند.

مذاکرات شورای امنیت هلیرفم اعتراض سلیم الحص نخست وزیر وحسین الحسینی رئیس پارلمان لبنان به فرانسه به خاطر دخالت در امور داخلی لبنان

شورای امنیت: مذاکرات درباره لبنان

صورت گرفت. در بیانیه دولت لبنان آمده است: "ما شگفت زده ایم که مسئله لبنان چگونه در قیاب این کشور، بدون موافقت و بدون اطلاع آن مورد مذاکره قرار می‌گیرد."

گروه شبه نظامی امل به گفته نبیه بری رهبر این گروه بدنبال سرنگونی میشل عون ژنرال شورشی مسیحی آماده است خود را منحل کند. نبیه بری در تلویزیون سوریه گفت گروه وی آماده دادن پاسخ مثبت به فراخوان دولت لبنان برای انزال گروهای شبه نظامی است.

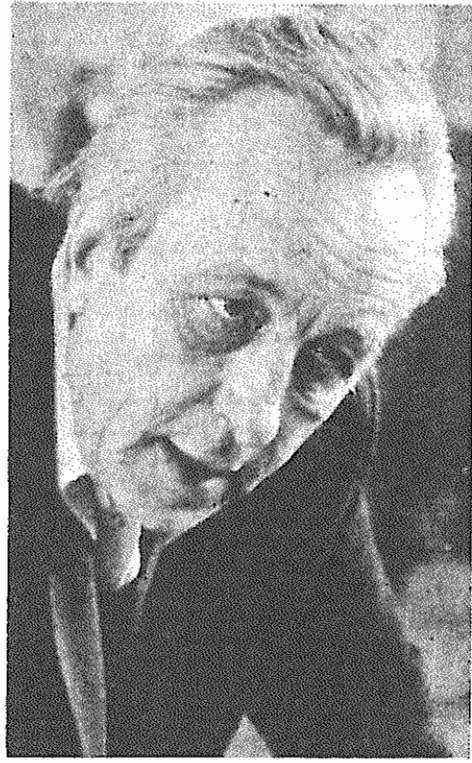
آلتوسر، فیلسوف فرانسوی در گذشت

لوئی آلتوسر فیلسوف مشهور فرانسوی روز دوشنبه ۲۲ اکتبر در سن ۷۲ سالگی در گذشت. خبر مرگ آلتوسر در بیمارستانی در نزدیکی پاریس، از سوی دوستان وی اعلام شد. آلتوسر، معروف ترین تئورسین مارکسیست فرانسه بود. وی به ویژه با دو اثر خود "کاپیتال را بخوانیم" (۱۹۶۵) و "برای مارکس" (۱۹۶۵) شهرت یافت. آلتوسر پیرو مکتب استروکتورالیسم بود و تفسیرهای او از آثار کارل مارکس، زیگموند فروید و مائوتسه‌تونگ توجه زیادی به خود جلب کرد.

آلتوسر که از سال ۱۹۴۸ استاد فلسفه در دانشگاه بود، در همان سال به حزب کمونیست فرانسه پیوست، اما مهم‌ترین آثار او که در دهه ۶۰ انتشار یافت، هیچگاه نظر گاه رسمی حزب را باز تاب نمی‌داد. آلتوسر بر این اعتقاد بود که مارکسیسم حتی پس از ۱۲۰ سال، نظم علمی و فلسفی خود را نیافته است. اثر او بنام "کاپیتال را بخوانیم" تلاشی برای نقد استالینیسم از موضع چپ و بازگشت به "مارکسیسم اصیل" است.

وقتی حزب کمونیست فرانسه در سال ۱۹۷۶ مقوله دیکتاتوری پرولتاریا را از برنامه خود حذف کرد، روند جدایی آلتوسر از حزب آغاز شد. در سال ۱۹۷۸، آلتوسر سلسله مقالاتی در لوموند منتشر کرد و در آن، جدایی خود را از حزب اعلام نمود. وی در همان زمان به یک دوست خود گفت: "نظام فکری من فرو ریخته است. من دیگر نمی‌توانم بیاندیشم."

در نوامبر ۱۹۸۰، آلتوسر به حیات خود به عنوان یک فیلسوف مارکسیست پایان داد. ملن همسر لوئی آلتوسر، بدست شوهرش خفه شد. در یک معاینه



آیا مراسم سالگرد انقلاب اکتبر برگزار خواهد شد؟

هلیرفم مخالفت شهردار مسکو، پارلمان شوروی در صدد است مراسم سالگرد انقلاب اکتبر را با یک رژه نظامی برگزار کند. نمایندگان پارلمان با ۳۱۲ رای موافق در مقابل ۹ رای مخالف، هیات رئیسه پارلمان را مامور کردند در روز هفتم نوامبر رژه معمول هر سال را سازماندهی کند. شهرداری مسکو که مسئولیت آن بر عهده گاوریل پوپوف از

احتمال جیره بندی مواد غذایی در مسکو

جناح باریس یلتسین است، قبلا تصمیم گرفته بود از صرف هزینه برای رژه نظامی خودداری کند. دلیل این تصمیم، خسارات وارده به خیابانها، آلوده شدن هوا، صرف مقادیر زیادی مواد خام و هلاک بر این، کهنه شدن رسم رژه نظامی به لحاظ سیاسی، اعلام شده بود.

مردم پایتخت شوروی زمستان امسال با جیره بندی مواد غذایی روبرو خواهند شد.

گزارش روزنامه پرآوا، هیات رئیسه انجمن شهر مسکو تصمیم به اتخاذ این تدبیر گرفت. طبق این گزارش، قرار است برای مواد غذایی همده، کوپن منتشر شود. پرآوا خبر نداده است که کدام مواد غذایی مشمول جیره بندی خواهند شد. این تصمیم هنوز باید به تایید مجمع عمومی انجمن شهر مسکو در ماه نوامبر برسد.

مردم پایتخت شوروی زمستان امسال با جیره بندی مواد غذایی روبرو خواهند شد.

مردم پایتخت شوروی زمستان امسال با جیره بندی مواد غذایی روبرو خواهند شد. به گزارش روزنامه پرآوا، هیات رئیسه انجمن شهر مسکو تصمیم به اتخاذ این تدبیر گرفت. طبق این گزارش، قرار است برای مواد غذایی همده، کوپن منتشر شود. پرآوا خبر نداده است که کدام مواد غذایی مشمول جیره بندی خواهند شد. این تصمیم هنوز باید به تایید مجمع عمومی انجمن شهر مسکو در ماه نوامبر برسد.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	۱۱ مارک	دیگر نقاط
نشریه «کار»	یک ساله	۲۱	۱۳ مارک
بهای اشتراك	شش ماهه	۳۲ مارک	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت»	یک ساله	۶۲	۳۹ مارک
		۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 324 MONDAY 29. Oct. 1990</p> <p>آدرس: RUSSEN POSTFACH 1810 5100AACHEN GERMANY</p>	<p>اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>کد بانک: ۱/۸ درصد در مقایسه با اوقاعدار معروض فروش بوده است.</p>
---	---

واسیل تروخین معاون وزارت کشور شوروی آماری اعلام کرده است که نشانگر ابعاد بازار سیاه است: از مجموع ۱۱۰۰ قلم کالاهای اساسی، در روز اول اکتبر تنها ۲۰ قلم (یعنی ۱/۸ درصد) در مقایسه با اوقاعدار معروض فروش بوده است.

به عقیده یک نماینده پارلمان شوروی، عامل دشواری‌های توزیع کالا، خرابکاری‌ها هستند که